

تحول وضع سواد در ایران (۶۵-۱۳۵۵) و برآورد تحولات آن تا سال ۱۳۷۷»

معرفی مقاله

نویسنده: سیدجعفر سجادی

معضل بیسوادی خاصه در جوامع روستایی و در بین زنان از جمله مهمترین مسائلی است که بر اثر غفلت مستمر گذشته نسبت به توسعه آموزش و پرورش ابتدایی و پیاآموزش همگانی، دامنگیر جامعه ایران شده است و با همه تلاشی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت پذیرفته هنوز هم با پرجاست به طوری که براساس آخرین آمار یونسکو کشور ما جزء ده کشوری است که دارای بالاترین رقم بیسوادان می باشد.

نویسنده این مقاله که از کارشناسان سازمان برنامه و بودجه است در این مقاله کوشیده است تحولات وضع سواد را در دو دهه ۶۵-۱۳۵۵ که دو سرشماری سراسری اخیر کشور را در بر می گیرد و در گروههای سنی مختلف ۶ ساله و بالاتر، ۶-۳۵ ساله و ۶-۱۴ ساله و برحسب جنس و مناطق شهری و روستایی مورد بررسی قرار دهد. سپس فعالیتهای نهضت سوادآموزی را با توجه به نتایج سرشماری و آمار منتشره از سوی این نهاد بررسی کرده و اثرات آن را در کاهش تعداد بیسوادان نشان داده است. در ادامه این بررسی وضع سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر کشور در سال ۱۳۶۵ برحسب استانها آمده است. در بخش پایانی مقاله به استناد فروش و شاخصهایی که در برنامه اول توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور آمده است چگونگی تحول وضع سواد تا سال ۱۳۷۷ در جمعیت ۶ ساله بیشتر و نیز در جمعیت ۶-۳۵ ساله به دست داده شده است. اکنون که یکی از اهداف برنامه پنجاهساله اول جمهوری

اسلامی اهتمام در ریشه‌کن کردن بی‌سوادی در گروه سنی ۳۵-۶
ساله تعیین شده تدوین این مقاله، می‌تواند رهنمود روشنی برای اتخاذ
شیوه‌های مناسب به شمار آید.

توفیق نویسنده مقاله را در ادامه این گونه بررسی‌ها و خاصه
پرداختن به جنبه‌های کیفی و ماهوی سوادآموزی از درگاه خداوند
متعالم خواستاریم.

فصلنامه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



«ابتدای بیداری»

تحول وضع سواد در ایران (۱۳۶۵ - ۱۳۵۵)

شورای عالی پژوهش
مطالعات و تحقیقات
پژوهشی
مجلس شورای اسلامی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور اجتماعی
و
معاونت امور علمی و فرهنگی

برآورد تحولات آن تا سال ۱۳۷۷

وزارت برنامه و بودجه

معاونت امور اجتماعی

مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای

بررسی تحول وضع سواد در ایران طی دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ و برآورد تحولات آن تا سال ۱۳۷۷

۱ - بررسی کلی وضعیت جمعیت در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵*

برای ارزیابی و مقایسه وضع سواد در دو مقطع مشخص ناگزیر از بررسی وضع جمعیت و میزان رشد در فاصله دو مقطع مزبور می‌باشیم. به همین دلیل بیش از آغاز گزارش، وضع جمعیت بطور اجمال مورد بحث قرار خواهد گرفت.

جدول شماره (۱) وضعیت جمعیت ایران در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ را برحسب جنس و به تفکیک شهر و روستا بیان می‌کند. در سال ۱۳۵۵ کل جمعیت ایران بالغ بر $۳۳/۷$ میلیون نفر بوده است. رشد متوسط سالیانه با نرخ $۳/۹$ درصد، جمعیت را در ده سال بعد به $۳۹/۴$ میلیون نفر* افزایش داده است. بدین ترتیب قدر مطلق افزایش جمعیت طی ده سال حدود $۱۵/۷$ میلیون نفر برآورد می‌شود.

در سال ۱۳۵۵، جمعیت مردان ایران $۱۷/۴$ میلیون نفر و جمعیت زنان برابر با $۱۶/۳$ میلیون نفر بوده که نسبت‌های $۵۱/۶$ و $۴۸/۴$ درصد را به ترتیب برای مردان و زنان در کل جمعیت آشکار می‌سازد. رشد متوسط سالیانه به میزان $۳/۸۵$ درصد، تعداد مردان را به $۲۵/۳$ میلیون نفر افزایش داده است. تعداد زنان نیز بر اثر $۳/۵۹$ درصد رشد متوسط سالیانه به $۲۴/۱$ میلیون نفر رسیده است. بررسی نشان می‌دهد که گرچه رشد جمعیت زنان سریعتر بوده، لیکن نسبت‌های $۵۱/۲$ و $۴۸/۸$ برای مردان و زنان در کل جمعیت سال ۱۳۶۵ مشخص می‌کند که ترکیب جمعیت به لحاظ جنس تشبیه قابل ملاحظه‌ای نداشته است.

میزان رشد جمعیت در مناطق شهری به طور متوسط در هر سال $۵/۴$ درصد طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بوده است. این امر سبب شده تا جمعیت این مناطق از $۱۵/۹$ میلیون نفر به $۲۶/۸$ میلیون نفر افزایش یابد. در مناطق روستایی نیز $۲/۴$ درصد رشد متوسط سالیانه وجود داشته که با افزایش $۴/۶$ میلیون نفر به جمعیت این مناطق تعداد $۱۷/۸$ میلیون نفر سال ۱۳۵۵ را به $۲۲/۶$ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ رسانده است.

بررسی تطبیقی ارقام فوق نشان می‌دهد که تغییرات چشمگیری در فرآیندهای جمعیتی حاصل شده است. لیکن با توجه به این موضوع که گزارش حاضر به منظور بررسی وضع سواد در سالهای ۵۵ و ۶۵ و ارزیابی عملکرد فعالیتهای آموزشی و سوادآموزی تهیه شده از این رو

* در جداول شماره ۱۳ تا ۱۸ پیوست، کلیه آمار مربوط به سرشماری سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ درج شده است.

* * اظهار شده است که این نرخ رشد واقعی نبوده و متأثر از دو عامل عمده می‌باشد. این دو عامل مهاجرت مردم کشورهای همسایه به ایران و کم‌شماری در سرشماری سال ۱۳۵۵ عنوان شده است.

تجزیه و تحلیل تغییرات یاد شده از حوصله این گزارش خارج است. با این همه به دلیل اهمیتی که بررسی وضع سواد در مناطق شهری و روستایی و در جمعیت مردان و زنان به لحاظ عدالت اجتماعی و محرومیت‌ها در بر دارد، تحلیل مختصری در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. همان طور که در بالا ذکر شد، جمعیت زنان نسبت به مردان از رشد بیشتری برخوردار بوده است. این پدیده را می‌توان ناشی از پی‌آمدهای جنگ تحمیلی و رویدادهای انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دانست و با توجه به اختلاف بسیار ناچیز در میزان رشد متوسط سالیانه جمعیت این دو گروه پایداری نسبی نسبت‌های کنونی مردان و زنان در ترکیب جمعیت تا درازمدت برقرار خواهد بود.

تغییر ترکیب نسبت جمعیت در مناطق شهری و روستایی موضوع مهم دیگری است که در تحول جمعیت بین دو مقطع ۵۵ و ۶۵ قابل مشاهده می‌باشد. در سال ۱۳۵۵، تنها ۴۷/۱ درصد جمعیت کل کشور در مناطق شهری می‌زیسته‌اند، حال آنکه این نسبت در سال ۱۳۶۵ به ۵۴/۳ درصد افزایش یافته است. توجیه این تغییر و تحول را جز در مهاجرت شدید روستائیان به شهر نمی‌توان عنوان کرد. در عین حال تغییر عناوین مناطق (از روستایی به شهری) به دلیل توسعه فیزیکی و سریع مناطق مزبور را نباید از نظر دور داشت.

۲ - بررسی وضع سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر

جمعیت ۶ سال و بیشتر ایران در سال ۱۳۵۵ حدود ۲۷/۱ میلیون نفر بوده که ۸۰/۵ درصد کل جمعیت کشور را شامل می‌شده است. در سال ۱۳۶۵ جمعیت در این گروه سنی به ۳۸/۷ میلیون نفر افزایش یافته است اما نسبت آن در کل جمعیت به ۷۸/۳ درصد کاهش یافته است. این کاهش نشان دهنده آن است که جمعیت زیر ۶ سال دارای نسبتی بیشتر در کل جمعیت شده است و لزوم آینده‌نگری درباره مسائل و نیازهای آموزشی آموزش همگانی بخصوص مقطع ابتدایی را نمایان می‌سازد (جدول شماره ۱)

تعداد با سوادان جمعیت ۶ سال و بیشتر در سال ۱۳۵۵ برابر با ۱۲/۹ میلیون نفر سرشماری شده است که ۴۷/۵ درصد باسوادی را ظاهر می‌سازد. در سال ۱۳۶۵، در حدود ۶۱/۸ درصد جمعیت ۶ سال و بیشتر یعنی ۲۳/۹ میلیون نفر باسواد بوده‌اند. مقایسه ارقام فوق نشان می‌دهد که میزان باسوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر سال ۱۳۶۵ نسبت به شاخص مشابه در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۴/۵ درصد افزایش یافته است. در عین حال باید این نکته را در نظر داشت که بنابر آمار موجود نسبت جمعیت ۶ سال و بیشتر در کل جمعیت در سال ۱۳۶۵ کمتر از نسبت مشابه در سال ۱۳۵۵ بوده و از این رو در افزایش میزان باسوادی تأثیر گذارده است. به عبارت روشنتر چنانچه نسبت‌های مورد بحث در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ ثابت می‌ماند، در این صورت

میزان باسوادی سال ۱۳۶۵ کمتر از شاخص فعلی به دست می‌آید (جدول شماره ۱ و ۲) مقایسه تعداد بی‌سوادان در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که حدود ۳۷۰ هزار نفر بر تعداد بی‌سوادان در طی دوره مورد نظر افزوده شده است. در حقیقت ۱۴/۲ میلیون نفر بی‌سواد سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۶ میلیون در سال ۱۳۶۵ رسیده است.

با در نظر گرفتن افزایش میزان باسوادی و در عین حال افزایش قدر مطلق بی‌سوادان می‌توان اذعان کرد که علیرغم فعالیت‌های همه جانبه و گسترده وزارت آموزش و پرورش در امر آموزش و سوادآموزی، باز هم مسأله باز ماندن از تحصیل کودکان لازم‌التعلیم وجود دارد و هر ساله در جهت خنثی ساختن فعالیت‌های آموزشی و سوادآموزی بر خیل بی‌سوادان می‌افزاید. چنانچه روند فوق در جهت افزایش میزان سواد و کاهش تعداد بی‌سوادان و در نتیجه میزان بی‌سوادی ادامه یابد و از عوامل برونی و درونی مؤثر بر مسائل جمعیت و فعالیت‌های آموزشی و سوادآموزی (مثلاً سیاست‌های کنترل جمعیت و یا سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش آموزش و پرورش) نیز صرف نظر شود، در این صورت می‌توان پیش‌بینی کرد که افزایش میزان باسوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر تا سال ۱۳۷۵ از مرز ۸۳/۰ درصد فراتر نخواهد رفت. به عبارت دیگر باز هم حدود ۹/۴ میلیون نفر بی‌سواد باقی خواهند ماند (جدول شماره ۱۲)

۲ - ۱ بررسی وضع سواد در جمعیت ۶ ساله و بیشتر بر حسب جنس

در سال ۱۳۵۵ جمعیت مردان ۶ سال و بیشتر بالغ بر ۱۴/۹ میلیون نفر بوده که با احتساب ۸/۲ میلیون نفر باسواد، شاخص ۵۸/۹ درصد باسوادی را آشکار می‌سازد. در سال ۱۳۶۵ از ۱۹/۸ میلیون نفر مردان ۶ سال و بیشتر تعداد ۱۴/۱ میلیون نفر باسواد بوده‌اند که ۷۱/۸ درصد میزان باسوادی را نشان می‌دهد. در مقایسه مشخص می‌شود که میزان سواد در جمعیت ۶ سال و بیشتر سال ۱۳۶۵ نسبت به شاخص مشابه سال ۱۳۵۵ حدود ۱۲/۲ درصد افزایش یافته است.

تعداد بی‌سوادان جمعیت ۶ سال و بیشتر مردان در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ هم بیانگر این موضوع است که ۵/۷ میلیون نفر به ۵/۶ میلیون نفر تغییر پیدا کرده و در کنار افزایش نرخ باسوادی، بهبود مسأله آموزش و وضع سواد مردان در طی دوره مورد بحث را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر با تغییر قدر مطلق جمعیت ۶ سال و بیشتر مردان در هر سال، میزان سواد نیز هماهنگ با افزایش جمعیت دچار تحولات و تغییرات بوده است.

جمعیت زنان ۶ سال و بیشتر در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۳/۲ میلیون نفر سرشماری شده است که با ۴/۷ میلیون نفر باسواد حدود ۳۵/۵ درصد باسوادی را ظاهر می‌سازد. تعداد زنان باسواد ۶ سال و بیشتر در سال ۱۳۶۵ معادل ۹/۸ میلیون نفر در کل جمعیت ۱۸/۹ میلیون نفری آنان بوده است که حاکی از ۵۲/۱ درصد میزان باسوادی می‌باشد. با توجه به ارقام فوق مشاهده می‌شود که

بین میزان باسوادی جمعیت زنان در این گروه سنی در سالهای ۵۵ و ۶۵ حدود ۱۶/۶ درصد اختلاف وجود دارد.

در سال ۱۳۵۵، بالغ بر ۸/۵ میلیون نفر بی سواد در جمعیت زنان ۶ سال و بیشتر وجود داشته است. تعداد بی سوادان زن در همین گروه سنی در سال ۱۳۶۵ حدود ۸/۹ میلیون نفر بوده است. مقایسه این دو رقم نشان می دهد که قدر مطلق تعداد بی سوادان در سال ۱۳۶۵ حدود ۴۰۰ هزار نفر نسبت به سال ۱۳۵۵ افزایش یافته است. مفهوم این امر آن است که تغییر میزان جمعیت زنان ۶ سال و بیشتر در هر سال به گونه ای بوده است که فعالیت های آموزشی و سوادآموزی در کاهش تعداد بی سوادان و تحت پوشش بردن افراد لازم التعلیم مؤثر و کافی نبوده است. مقایسه میزان باسوادی مردان و زنان ۶ سال و بیشتر در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ بیان کننده این حقیقت است که ۲۳/۴ درصد اختلاف در سال ۱۳۵۵ به ۱۹/۰ درصد کاهش یافته است. این اختلاف ها نشان می دهد که در مورد توزیع آموزش و سواد بین جمعیت زنان و مردان تعادل لازم وجود نداشته و ندارد. با اینهمه کاهش اختلاف بدین معنا خواهد بود که روند فعالیت ها در جهت بهبود شاخص ها و ایجاد تعادل نسبی می باشد.

۲ - ۲ - بررسی وضع سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر به تفکیک مناطق شهری و روستایی
جدول شماره (۳) در برگزیده اطلاعات و ارقام آماری جمعیت ۶ سال و بیشتر و تعداد باسوادان آن در مناطق شهری و روستایی می باشد. در سال ۱۳۵۵ کمی کمتر از ۵۰ درصد جمعیت ۶ سال و بیشتر ایران یعنی ۱۳/۲ میلیون نفر در مناطق شهری سکونت داشته اند. وجود ۸/۶ میلیون نفر باسواد در این جمعیت شاخص ۶۵/۵ درصد باسوادی را ظاهر می سازد. در سال ۱۳۶۵ جمعیت ۶ سال و بیشتر در مناطق شهری معادل ۲۱/۲ میلیون نفر می باشد که با ۸/۰ میلیون افزایش در طی دوره، بیان کننده ۴/۸ درصد رشد متوسط سالیانه جمعیت ۶۵ نسبت به ۵۵ می باشد. از جمعیت شهری ۶ سال و بیشتر سال ۱۳۶۵ حدود ۷۳/۱ درصد باسواد بوده اند که ۱۵/۵ میلیون نفر را شامل می شود. در مقایسه، مشاهده می شود که میزان باسوادی در جمعیت این گروه سنی در فاصله دو مقطع سرشماری ۷/۶ درصد بالاتر رفته است.
افزایش تعداد بی سوادان سال ۱۳۶۵ نسبت به بی سوادان سال ۱۳۵۵ یعنی افزایش ۱ میلیون نفر به خیل بی سوادان باز جمله نکاتی است که نباید نادیده گرفت. در حالیکه در سال ۱۳۵۵ تعداد بی سوادان ۶ سال و بیشتر مناطق شهری ۴/۶ میلیون نفر سرشماری شده است، در سال ۱۳۶۵ تعداد ۵/۶ میلیون نفر بی سواد در آمارها ظاهر شده اند. افزایش قدر مطلق بی سوادی علیرغم افزایش میزان سواد در جمعیت ۶ اسل و بیشتر مناطق شهری در برگزیده دو نکته مهم می باشد. اول آنکه آموزش رسمی (و عمدتاً ابتدایی) و فعالیت سوادآموزی در مناطق شهری

گسترده‌گی و وسعت بیشتری یافته است. و دوم آنکه مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهر (خصوصاً بی‌سوادان روستاها) و سکونت آنان در حاشیه شهرها همراه با محرومیت از امکانات و جاذبه شغل‌های کاذب تعداد بی‌سوادان شهر را اینگونه افزایش داده است. این موضوع در مقایسه با کاهش تعداد بی‌سوادان روستایی در دو مقطع به خوبی قابل مشاهده می‌باشد. اینجاست که می‌توان گفت روستائیان مهاجر محرومیت خود (خصوصاً در زمینه آموزش) را به شهر منتقل می‌کنند.

تعداد $\frac{4}{3}$ میلیون نفر باسواد در جمعیت $\frac{13}{9}$ میلیون نفری ۶ سال و بیشتر مناطق روستایی شاخص $\frac{30}{5}$ درصد باسواد را در سال ۱۳۵۵ آشکار می‌کنند. در سال ۱۳۶۵ جمعیت ۶ سال و بیشتر این مناطق برابر با $\frac{17}{5}$ میلیون نفر، تعداد باسوادان $\frac{8}{4}$ میلیون نفر و میزان باسوادی $\frac{52}{3}$ درصد بوده است. در مقایسه مشخص می‌شود که میزان باسوادی در دهه فوق در جمعیت ۶ سال و بیشتر $\frac{23}{8}$ درصد ارتقاء یافته است. طی همین دوره تعداد بی‌سوادان در این جمعیت از $\frac{9}{7}$ میلیون نفر به $\frac{9}{10}$ میلیون نفر کاهش یافته است. (منظور کاهش قدرمطلق بی‌سوادان سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ در جمعیت ۶ سال و بیشتر می‌باشد).

همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد کاهش تعداد بی‌سوادان روستاها و افزایش تعداد بی‌سوادان شهرها در کنار تغییر نسبت جمعیت مناطق شهری و روستایی (در جمعیت کل کشور) تعبیری جز مهاجرت از روستا به شهر و تغییر عناوین مناطق از روستایی به شهری ندارد. در سال ۱۳۵۵، جمعیت ۶ سال و بیشتر مناطق شهری و روستایی به ترتیب نسبت‌های $\frac{48}{6}$ و $\frac{51}{4}$ را در کل جمعیت مربوطه نشان می‌دهد در حالیکه در سال ۱۳۶۵ نسبت‌های مزبور به $\frac{54}{8}$ و $\frac{45}{2}$ تغییر یافته‌اند (جدول شماره ۳). بنابراین با توجه به این تغییر نسبت در جمعیت مناطق شهری و روستایی و افزایش میزان سواد در هر یک طی دهه (۶۵ - ۵۵) آشکار می‌شود که رشد سواد مناطق روستایی ظاهری بوده و بیشتر محصول تحولات و تحرک جمعیت در جغرافیای کشور می‌باشد.

۴ - بررسی وضع سواد در جمعیت ۱۴ - ۶ ساله و تعداد بازماندگان از تحصیل جمعیت ۹ - ۶ ساله و ۱۴ - ۱۰ ساله در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ در جدول شماره (۴) ارائه شده است. بطور کلی از $\frac{8}{4}$ میلیون نفر این جمعیت در سال ۱۳۵۵، $\frac{6}{10}$ میلیون نفر باسواد بوده‌اند که معرف $\frac{72}{8}$ درصد باسواد می‌باشد. در بررسی میزان باسواد کودکان ۹ - ۶ و ۱۴ - ۱۰ ساله مشخص می‌شود که در سال ۱۳۵۵ شاخص مربوط به ترتیب $\frac{71}{6}$ و $\frac{74}{10}$ در صد می‌باشد. این میزان باسواد برای هر دو گروه سنی (۹ - ۶ و ۱۴ - ۱۰ ساله) در سال ۱۳۶۵ حدود $\frac{82}{7}$ و $\frac{85}{1}$ در صد می‌باشد. مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که همواره میزان سواد کودکان

۱۴ - ۱۰ - از کودکان ۹ - ۶ ساله بالاتر است. وجود مسائلی چون افت تحصیلی، ترک تحصیل و مواردی از این قبیل چنین می‌نمایند که این برتری میزان سواد می‌بایست برای گروه سنی ۹ - ۶ سال اتفاق می‌افتاد در حالیکه عکس این موضوع پیش آمده است. در اینجا بازماندگی از تحصیل تعداد زیادی از کودکان لازم‌التعلیم را می‌توان توجیهی برای پدیده یاد شده عنوان کرد. در سال ۱۳۵۵ جمعیتی نزدیک به $\frac{2}{3}$ میلیون نفر و در سال ۱۳۶۵ جمعیتی نزدیک $\frac{1}{8}$ میلیون نفر در گروه سنی ۱۴ - ۶ سال بی‌سواد و به‌عبارت بهتر بازمانده از تحصیل بوده‌اند.

بطور کلی $\frac{83}{9}$ درصد میزان باسوادی در سال ۱۳۶۵ در این گروه سنی بیانگر این نکته خواهد بود که نزدیک به ۱۱ درصد رشد در میزان باسوادی حاصل شده است. در مقایسه با میزان رشد جمعیت که برابر با $\frac{3}{4}$ درصد متوسط سالیانه بوده به‌وضوح می‌توان دریافت که کاهش تعداد بی‌سوادان و افزایش تعداد باسوادان در تغییر شاخص‌های باسوادی موثر بوده است. اهمیت امر هنگامی آشکار می‌شود که افزایش تعداد بی‌سوادان و باسوادان در کل کشور و در فاصله دو مقطع مزبور مورد توجه واقع شود.

۴ - ۱ بررسی وضع سواد جمعیت ۱۴ - ۶ سال بر حسب جنس

در سال ۱۳۵۵، تعداد مردان و زنان در گروه سنی ۱۴ - ۶ سال به‌گونه‌ای بوده است که نسبت‌های $\frac{52}{1}$ و $\frac{47}{9}$ را برای هر یک در بر داشته است در سال ۱۳۶۵ این نسبت تغییر نسبتاً جزئی داشته و برای مردان و زنان به ترتیب $\frac{51}{4}$ و $\frac{48}{6}$ شده است. تعداد باسوادان مرد این گروه سنی در سال ۱۳۵۵ برابر $\frac{3}{7}$ میلیون نفر و میزان باسوادی آنان $\frac{83}{6}$ درصد بوده است. زنان نیز با $\frac{61}{2}$ درصد میزان باسوادی تعداد $\frac{2}{5}$ میلیون نفر را نشان می‌دهند. مشاهده می‌شود که اختلاف میزان باسوادی مردان و زنان در حدود $\frac{22}{4}$ درصد بوده و محرومیت شدید دختران نسبت به پسران به‌لحاظ اختلاف در سواد وجود داشته است. از میان بی‌سوادان سال ۱۳۵۵ هم تعداد پسران و دختران به‌نحوی بوده که به ترتیب نسبت ۱ به ۲ را در ترکیب جمعیت بی‌سوادان ظاهر ساخته است.

میزان باسوادی پسران و دختران ۱۴ - ۶ سال در سال ۱۳۶۵ به ترتیب $\frac{89}{5}$ و $\frac{78}{8}$ درصد بوده که نسبت به شاخص‌های مشابه در سال ۱۳۵۵، $\frac{5}{9}$ و $\frac{16}{8}$ درصد افزایش نشان می‌دهد. در حقیقت افزایش تعداد باسوادان دختر در سال ۱۳۶۵ همراه با کاهش تعداد دختران بی‌سواد بوده و در نتیجه شاخص‌های یاد شده را پدید آورده است که به‌ر حال جای امیدواری دارد. با اینهمه نسبت ۱ به ۲ بی‌سوادان پسر به دختر در سال ۱۳۵۵، همچنان در سال ۱۳۶۵ ثابت مانده است. چنانچه نسبت باسوادان پسر و دختر با هم سنجیده شود مشخص خواهد شد که نسبت‌های ۳ به ۲

در سال ۱۳۵۵ به نسبت‌های ۳ به ۲/۵ در سال ۱۳۶۵ تغییر یافته است. این تحول حاکی از آن است که در طی دوره ۶۵-۵۵ آموزش دختران اهمیت خود را باز یافته و روند ایجاد تعادل در تعداد و نسبت دانش‌آموزان دختر و پسر به سمت بهبودی گرایش یافته است.

۲-۲ بررسی وضع سواد جمعیت ۱۴-۶ سال بر حسب مناطق شهری و روستایی جنبه دیگری از عدم تعادل‌های موجود در جمعیت باسواد، در ترکیب منطقه‌ای این جمعیت به لحاظ مناطق شهری و روستایی ظهور می‌کند. در این زمینه، ۳/۸ میلیون نفر جمعیت شهر نشین گروه سنی یاد شده (یعنی ۲۵ درصد جمعیت) در برابر ۹/۶ میلیون نفر جمعیت مناطق روستایی همین گروه سنی (یعنی ۵۵ درصد جمعیت) حاکی از نسبت‌های نامتعادل استقرار جمعیت می‌باشد. در سال ۱۳۶۵ رشد جمعیت ۱۴-۶ سال مناطق شهری به واسطه مهاجرت‌ها و سایر عوامل بگونه‌ای افزایش یافته است که نسبت‌های ۴۵ و ۵۵ درصد تبدیل به ۵۰ و ۵۰ درصد برای مناطق شهری و روستایی شده است.

در سال ۱۳۵۵، تعداد باسوادان شهر ۳/۴ میلیون نفر و میزان باسوادی ۹۰/۲ درصد گزارش شده است. در مناطق روستایی ۵۸/۵ درصد میزان باسوادی رقم ۲/۷ میلیون نفر باسواد را نشان می‌دهد. با توجه به نسبت‌های جمعیتی مناطق یاد شده آشکار خواهد شد که شکاف بین مناطق شهری و روستایی به لحاظ وضع سواد تا چه حد عمیق بوده است. بر همین مبنا وجود ۱/۹ میلیون نفر بی سواد روستایی در سال ۱۳۵۵ در گروه سنی ۱۴-۶ سال نشان می‌دهد که علیرغم فعالیت‌های سپاه دانش، بسیاری از کودکان روستایی به مدارس راه نیافته‌اند.

تعداد باسوادان مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۶۵ بترتیب ۵/۴ و ۴/۴ میلیون نفر و شاخص باسوادی مناطق مزبور ۹۳/۰ و ۷۴/۸ درصد بوده است. بررسی ظاهری بیانگر آن است که رشد میزان باسوادی در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری می‌باشد به طوری که در برابر تقریباً ۳ درصد رشد متوسط میزان باسوادی مناطق شهری ۱۶/۳ درصد رشد در مناطق روستایی حاصل شده است. لیکن بررسی عمیق‌تر نشان می‌دهد که اگر چه افزایش میزان سواد محصول گسترش آموزش عمومی خصوصاً آموزش ابتدایی در این مناطق بوده است اما مسئله مهاجرت و در نتیجه تغییر نسبت‌های جمعیتی را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. در حقیقت اگر نسبت‌های جمعیتی سال ۱۳۵۵، در سال ۱۳۶۵ تکرار می‌شد، در اینصورت میزان باسوادی جمعیت ۱۴-۶ سال شهرها نزدیک به ۱۰۰ و در مورد روستاها پائین‌تر از شاخص فعلی می‌بود.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که چه در مقایسه با سوادان و بی‌سوادان پسر و دختر، و چه شهر و روستا، مسأله افزایش و کاهش تعداد باسوادان و بی‌سوادان تنها نشان‌دهنده گسترش بیشتر آموزش ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ می‌باشد. توضیح اینکه

مثلاً کاهش تعداد بیسوادان سال ۱۳۵۵ در گروه سنی ۱۲ - ۶ سال در مقایسه با تعداد بیسوادان گروه سنی ۲۲ - ۱۶ سال در سال ۱۳۶۵ معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

۶ - بررسی عملکرد آموزش و پرورش و نهضت سواد آموزی به لحاظ تحول وضع سواد طی دهه ۶۵ - ۱۳۵۵

برای بررسی عملکرد نهضت سواد آموزی و آموزش و پرورش در زمینه سواد آموزی و عبارت بهتر آموزش ابتدائی، در مرحله اول تعیین میزان ازدیاد یا سوادان در گروه‌های سنی مختلف ضرورت دارد. این بررسی از طریق مقایسه ارقام جدول شماره (۵) امکان پذیر خواهد بود. جدول به گونه‌ای طراحی شده است که جمعیت و جمعیت با سواد هر گروه سنی در سال‌های ۵۵ و ۶۵ در مقابل هم قرار گرفته است و به بیان واضح‌تر جمعیت ۵ - ۰ سال در سال ۱۳۵۵ در برابر جمعیت ۱۵ - ۱۰ سال مربوط به سال ۱۳۶۵ و سایر گروه‌های سنی نیز به همین ترتیب مورد مقایسه قرار گرفته است.

در سال ۱۳۵۵ جمعیت ۵ - ۰ سال ایران بالغ بر $۶/۶$ میلیون نفر بوده است که ده سال بعد رقم $۷/۱$ میلیون نفر را در جمعیت ۱۵ - ۱۰ سال ظاهر می‌سازد (اختلاف غیر منطقی بین میزان جمعیت طی ده سال را می‌توان به عواملی چون مهاجرت از خارج به داخل کشور و کم شماریهای جمعیت سال ۱۳۵۵ ربط داد). وجود $۱/۲$ میلیون نفر بی‌سواد در گروه سنی ۱۵ - ۱۰ سال در سال ۱۳۶۵ حاکی از آن است که این تعداد، تعداد بازماندگان از تحصیل جمعیت ۵ - ۰ سال از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ می‌باشد. به این ترتیب در هر سال حدود ۱۲۰ هزار نفر از تحصیل محروم مانده‌اند. ضمن آنکه در سال ۱۳۶۵ در گروه سنی تعداد ۹۲۱ هزار نفر بازمانده از تحصیل مشاهده می‌شود.

بررسی مقایسه‌ای جمعیت گروه سنی ۲۲ - ۶ سال در سال ۱۳۵۵ و جمعیت گروه سنی ۳۲ - ۱۶ ساله در سال ۱۳۶۵ هیچگونه نشانه‌ای از عدم هماهنگی در آمارهای سرشماری طی دو مقطع یاد شده را آشکار نمی‌کند و به عبارت بهتر میزان تحولات جمعیت، منطقی به نظر می‌رسد. کاهش تعداد بی‌سوادان در این بررسی نشان می‌دهد که حدود ۳۵۸ هزار نفر از طریق فعالیت‌های وزارت آموزش و پرورش و یا نهادهای سواد آموزی به باسوادان اضافه شده‌اند. کاهش ۳۳۰ هزار نفر از بی‌سوادان گروه سنی ۵۴ - ۳۵ ساله در سال ۱۳۶۵ نسبت به گروه سنی ۴۴ - ۲۵ سال در سال ۱۳۵۵ با توجه به تحول معقول جمعیت در این محدوده سنی بیانگر این نکته خواهد بود که فعالیت‌های سواد آموزی با موفقیت نه چندان چشمگیری جریان داشته و بهر حال از تعداد بی‌سوادان کاسته است.

در سال ۱۳۵۵ جمعیت ۴۵ سال و بیشتر ایران بالغ بر $۵/۲$ میلیون نفر بوده است که $۴/۳$

میلیون نفر آن بی سواد بوده‌اند. ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۵ همین جمعیت (جمعیت ۵۵ سال و بیشتر) حدود ۴/۱ میلیون نفر سرشماری شده است و ۳/۳ میلیون نفر بی سواد را نشان می‌دهد. بنا بر این می‌توان کاهش ۱/۰ میلیون نفر بی سواد در این گروه سنی را مشاهده کرد. اما نکته مهمی که نباید از ذکر آن غافل شد، موضوع کاهش حدود ۱/۲ میلیون نفر از جمعیت کل این گروه سنی می‌باشد. در حقیقت این سؤال مطرح است که کاهش تعداد بی سوادان و کاهش جمعیت در این گروه سنی تا چه حد بهم مرتبط هستند؟ و یا اینکه آیا میزان مرگ و میر در کاهش تعداد بی سوادان تا چه حد موثر بوده است؟

مسئله کم شماری جمعیتی در سال ۱۳۵۵ به عنوان توجیهی در این زمینه ارائه شده است لیکن با توجه به آنکه بحث در این باب از چارچوب این گزارش خارج می‌باشد، از این رو کاهش تعداد بی سوادان به عنوان رقم واقعی فعالیت‌های سواد آموزی در نظر گرفته می‌شود.

در مجموع از ارقام جدول شماره (۵) چنین نتیجه می‌شود که اولاً حدود ۱/۸ میلیون نفر از تعداد بی سوادان کاسته شده که ناشی از عملکرد وزارت آموزش و پرورش و نهضت سواد آموزی می‌باشد. و ثانیاً حدود ۲/۲ میلیون نفر به تعداد بی سوادان افزوده شده و در نتیجه بطور کلی ۳۷۲ هزار نفر به بی سوادان کشور اضافه شده است. نکته سوم آنکه عملکرد سواد آموزی در گروه سنی ۶۴ - ۶ سال (۱۳۵۵) و عمدتاً در افراد بزرگسال ۴۵ سال و بیشتر نمودار می‌شود در حالیکه ۲/۲ میلیون نفر ۱۵ - ۶ سال بازمانده از تعلیم در سال ۱۳۶۵ وجود داشته است.

بر اساس آمار منتشره از سوی نهضت سواد آموزی تعداد کل کسانی که از زمان تاسیس تا پایان سال ۶۵ در کلاس‌های مقدماتی این نهاد موفق به فراگیری سواد (مقدماتی) شده‌اند بالغ بر ۱/۷ میلیون نفر می‌باشد. در مقایسه با ۱/۸ میلیون نفر کسانی که از جمع بی سوادان کاسته شده‌اند می‌توان ۱۰۰ هزار نفر اختلاف را به عملکرد فعالیت‌های سواد آموزی سالهای ۵۵ تا ۵۸ توسط پیکار با بی سوادی نسبت داد.

با توجه به این موضوع که طی ده سال ۵۵ تا ۶۵، حدود ۱۱/۰۴ میلیون نفر به جمعیت بی سواد کشور اضافه شده است می‌توان عملکرد وزارت آموزش و پرورش را در تحولات وضع سواد به دست آورد. اگر بر اساس ارقام جدول شماره (۵) کاهش تعداد بی سوادان ۱۶ سال و بیشتر سال ۶۵ نسبت به بی سوادان ۶ سال و بیشتر سال ۵۵ ناشی از عملکرد فعالیت‌های نهضت سواد آموزی بدانیم، در اینصورت مشخص خواهد شد که سهم آموزش و پرورش در افزایش میزان با سوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر ایران بالغ بر ۹/۲ میلیون نفر بوده است. طی سالهای تحصیلی ۵۷ - ۵۶ لغایت ۶۵ - ۵۴ و بر اساس آمارهای آموزش و پرورش حدود ۱۳/۱ میلیون نفر در کلاس‌های اول ثبت نام کرده‌اند. با احتساب ۷۰ درصد ضریب گذر و به عبارتی ۳۰ درصد افت در کلاس اول ابتدائی می‌توان گفت که بر مبنای تعاریف سرشماری از تعداد نوآموزان یاد

شده ۹/۲ میلیون نفر به جمع با سوادان افزوده شده است.

۷- بررسی وضع سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر کشور در سال ۱۳۶۵ بر حسب استان

قبلاً ذکر شد که میزان با سوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر کشور در سال ۱۳۶۵ برابر ۶۱/۸ درصد می باشد. طبیعی است که این میزان با سوادی با نسبت های نامتعادل بین استانها توزیع شده باشد. جدول شماره (۶) وضعیت کلی سواد در هر یک از استانهای کشور را نشان می دهد. جدول بگونه ای تنظیم شده است که استانها بر حسب مرتبه ای که به لحاظ میزان سواد داشته اند از بالا به پائین ردیف شده اند. بدین شکل از تعداد ۲۴ استان تنها ۸ استان بالاتر از میزان با سوادی کل کشور و بقیه پائین تر از این حد قرار می گیرد. به لحاظ قدر مطلق نیز حدود ۱۲/۷ میلیون نفر (یعنی بیش از ۵۰ درصد با سوادان) در ۸ استان یاد شده سرشماری شده اند. این امر عدم تعادل شدید بین استانها را به لحاظ با سوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر را نشان می دهد.

بر اساس ارقام جدول، استان تهران با ۷۸/۳ درصد بالاترین میزان با سوادی در کل کشور رادار بوده است. استانهای اصفهان، سمنان و یزد بترتیب ۷۰/۹، ۷۰/۵ و ۶۹/۵ درصد در مرتبه های بعد جای دارند. کمترین میزان سواد نیز متعلق به استان سیستان بلوچستان و برابر ۳۵/۹ درصد می باشد. استانهای کردستان، آذربایجان غربی و هرمزگان بترتیب با ۳۹/۲، ۴۷/۰ و ۵۱/۶ درصد وضعیت بهتری نسبت به سیستان و بلوچستان قرار دارند. اما با اینحال در مراتب بیست و یکم تا بیست و سوم جدول قرار گرفته اند.

اگرچه وضعیت فوق می تواند بیانگر ارتباط مستقیم وضع سواد و درجه رفاه استان باشد، لیکن از تاثیر عوامل دیگری که سبب اختلاف در میزان با سوادی شده و می شوند نباید غافل بود. به بیان روشن، استقرار استانهای تهران و اصفهان در بالاترین نقطه نمودار سواد و قرار گرفتن استانهای سیستان و بلوچستان در پائین ترین مرتبه می تواند ارتباط بین درجه محرومیت (یا رفاه) و میزان با سواد (یا سواد) را بخوبی آشکار سازد. اما قرار گرفتن استانهای بوشهر و خوزستان در مرتبه نهم و دهم جدول و نزول آذربایجان شرقی تارده بیستم نشان می دهد که وجود دوزبان (فارسی و ترکی) در منطقه شمال غربی کشور در میزان با سوادی تاثیر می گذارد. در عین حال پراکندگی جمعیت، چگونگی استقرار روستاها، وضعیت جغرافیایی و همسایگی با استانهای مرفه از دیگر عواملی هستند که به نوعی در میزان با سوادی دخیل می باشند.

گذشته از مسائل کنونی، نکته مهم و قابل طرح برای آینده، توجه بیشتر مسئولان به استانهایی است که ۴۰ درصد جمعیت ۶ سال و بیشتر آنها بی سواد مانده اند.

۷ - ۱ بررسی وضع سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر در مناطق شهری و روستایی بر حسب استان وضع سواد در مناطق شهری و روستایی استانها نیز بسیار متفاوت بوده و از ۸۰/۱ درصد تا ۲۵/۷ درصد متغیر می‌باشد. بر اساس ارقام جدول شماره (۷) استان تهران دارای بالاترین یعنی ۸۰/۱ و استان سیستان و بلوچستان با ۵۱/۵ درصد دارای پائین‌ترین میزان باسوادی در مناطق شهری بوده‌اند. لازم به توضیح است که در این جدول استانها بر حسب رتبه طبقه‌بندی نشده‌اند. به هر حال پس از استان تهران، استانهای سمنان، گیلان و فارس به ترتیب با ۷۸/۰، ۷۶/۸ و ۷۵/۹ درصد از نظر میزان باسوادی در رتبه‌های بعدی جای گرفته‌اند. مناطق شهری استانهای کردستان، آذربایجان غربی و آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی نیز پس از سیستان و بلوچستان پائین‌ترین میزان سواد را نمایان ساخته‌اند.

در مناطق روستایی، استانهای تهران، یزد و اصفهان به ترتیب با ۶۵/۳، ۶۲/۸ و ۶۲/۴ از بالاترین میزان سواد در بین استانها برخوردار بوده‌اند حال آنکه سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی با ۲۵/۷، ۲۹/۱ و ۳۳/۶ درصد کمترین میزان سواد را به لحاظ مناطق روستایی نشان می‌دهند.

نکته قابل تامل در مورد میزان سواد مناطق شهری و روستایی استانها - بجز استانهای کردستان و سیستان و بلوچستان - آنکه میزان سواد مناطق شهری از شاخص سواد کل کشور بالاتر است. در مناطق روستایی نیز تنها استانهای تهران، یزد و اصفهان از شاخص سواد کل کشور بالاتر می‌باشند. مقایسه و بررسی بیشتر بین استانها و مناطق شهری و روستایی شدت عدم تعادل را به خوبی ترسیم خواهد کرد و در هر حال ضرورت توجه بیشتر به مناطق روستایی کلیه استانها و عنایت بیشتر به استانهای محروم خصوصاً سیستان و بلوچستان و کردستان را نشان خواهد داد.

۷ - ۲ - بررسی وضع سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر استانها بر حسب جنس در سال ۱۳۶۵

برای بررسی وضع سواد مردان و زنان در استانهای کشور می‌توان به ارقام جدول شماره (۸) رجوع کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود در سال ۱۳۶۵، مردان استان تهران با ۸۳/۷ درصد و مردان استانهای اصفهان سمنان و یزد بترتیب با ۷۸/۵، ۷۷/۴ و ۷۷/۰ درصد در رتبه‌های اول تا چهارم قرار داشته‌اند. کمترین میزان باسوادی مردان ۶ سال و بیشتر در استانها متعلق به استانهای سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی بترتیب با ۴۶/۲، ۵۴/۳ و ۵۹/۳ درصد می‌باشد. در حقیقت با احتساب هرمزگان (با ۶۱/۰ درصد میزان باسوادی مردان) تنها همین ۴ استان هستند که شاخص باسوادی مردان ۶ سال و بیشتر آنها از شاخص کل کشور در سال ۱۳۶۵ پائین‌تر است.

در جمعیت زنان نیز، باز استان تهران با $72/3$ درصد دارای بالاترین میزان با سوادی در بین استانها بوده است و استانهای سمنان، اصفهان و یزد به ترتیب با $62/7$ ، $61/5$ و $25/3$ مرتبه‌های بعد قرار دارند. زنان استان کردستان با $23/2$ و استان سیستان و بلوچستان با $25/3$ درصد با سوادی کمترین میزان سواد در استانها را بیان می‌کنند. همچنین براساس جدول یاد شده تنها شاخص با سوادی زنان ۷ استان در کل کشور از شاخص با سوادی زنان بالاتر بوده است. به نظر می‌رسد بهتر آن باشد که هرگونه تحلیل و بررسی و نیز نتیجه‌گیری در این مورد به مسئولان و اندیشمندان واگذار شود، لیکن در هر حال یادآوری این نکته ضرورت دارد که زنان در استانهای محروم بخصوص در مناطق روستایی از لحاظ سواد دچار محرومیت مضاعفی هستند که بهر جهت باید چاره‌ای اندیشید.

۸ - پیش‌بینی تحول وضع سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر تا سال ۱۳۷۷

جداول شماره (۹) و (۱۰) به ترتیب وضعیت سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر را در سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵ و ۷۷ - ۱۳۶۵ نمایان می‌سازد. قبل از آنکه در مورد هر یک از جدولها بررسی و تحلیل شود ضرورت دارد نحوه تنظیم جدول تشریح شود. همانگونه که مشاهده می‌شود، جدول، بجز ستون «سال» دارای ۱۲ ستون دیگر است که هر یک با اعداد ۱ تا ۱۲ مشخص شده است. در ستون (۱) جمعیت ۶ سال و بیشتر درج شده است. نحوه محاسبه جمعیت یاد شده در هر یک از دو جدول در سطور بعدی ذکر خواهد شد. در ستون (۲) جمعیت با سواد ۷ سال و بیشتر آمده است و مقدار آن در هر سال برابر با حاصل جمع با سوادان ۷ سال و بیشتر و خالص قبول شدگان کلاس‌های اول ابتدائی و سوادآموزی سال قبل می‌باشد. نیت اصلی از ذکر جمعیت با سواد ۷ سال و بیشتر این بوده است که تعداد حقیقی با سوادان بدست آید. به بیان روشنتر، براساس تعاریف سرشماری، کلیه دانش‌آموزان اول ابتدائی و نوآموزان سوادآموزی در شمار افراد با سواد منظور شده‌اند، در حالیکه باید به میزان قبولی این افراد استناد کرد و اینان را جزو با سوادان به حساب آورد. در واقع چنین به نظر می‌رسد که اگر معیار با سوادی در جمعیت ۷ سال و بیشتر اعمال شود، موضوع جنبه منطقی‌تری به خود بگیرد. ستون (۳) در برگزیده آمار جمعیت با سواد ۶ سال و بیشتر می‌باشد و مقدار آن در هر سال برابر حاصل جمع تعداد با سوادان ستون (۲) و دانش‌آموزان اول ابتدائی ستون (۴) و ثبت نام کنندگان کلاس‌های مقدماتی سوادآموزی ستون (۶) می‌باشد. تعداد دانش‌آموزان اول ابتدائی در ستون (۴) و تعداد قبول شدگان اول ابتدائی در ستون (۵) منظور شده است. در ستون (۶) تعداد ثبت نام کنندگان در کلاس‌های سوادآموزی و در ستون (۷) تعداد قبول شدگان و به عبارتی تعداد کسانی که موفق به دریافت کارنامه شده‌اند درج شده است. ستون (۸) که حاصل جمع ستونهای (۵) و (۷) می‌باشد،

تعداد کل کسانی را که سواد آموخته‌اند نشان می‌دهد، در اینجا ذکر این نکته ضروری است که قبول شدگان کلاس اول ابتدائی و دوره مقدماتی سوادآموزی به عنوان افراد با سواد شمرده شده‌اند. تعداد با سوادانی که بر اثر مرگ و میر و یا بازگشت به بی‌سوادی از جمعیت با سواد خارج می‌شوند در ستون (۹) منظور شده است و فرض شده است که میزان آن به ترتیب ۴ در هزار جمعیت با سواد و ۵ درصد سواد آموختگان جدید باشد. بنابراین از حاصل جمع جبری ستون (۸) و ستون (۹) خالص افزایش تعداد با سوادان بدست آمده است که در ستون (۱۰) جای گرفته است. در ستون (۱۱) تعداد بی‌سوادان و درصد بی‌سوادی ذکر شده است که اولی حاصل جمع جبری ستون (۱) و (۳) و دومی حاصل جمع جبری ستون (۱۲) با عدد ۱۰۰ می‌باشد. در ستون (۱۲) میزان با سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر درج شده است که حاصل تقسیم ستون (۳) بر ستون (۱) می‌باشد.

وضعیت سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر در خلال سالهای دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ را می‌توان در جدول شماره (۹) ملاحظه کرد. میزان جمعیت در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ براساس آمار سرشماری سالهای موردنظر بوده و در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۴، براساس رشد متوسط بین دو سرشماری و با احتساب (۳/۶ درصد) برآورده شده است. جمعیت با سواد ۶ سال و بیشتر نیز در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ براساس ارقام سرشماری بوده است اما در بقیه سالها به ترتیبی محاسبه شده است که قبلاً ذکر شد. ارقام مندرج در ستونهای (۴) تا (۸) این جدول همگی ارقام عملکرد بوده و از نشریه‌های آماری رسمی وزارت آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی استخراج شده است. چگونگی محاسبه میزان مرگ و میر با سوادان نیز قبلاً ذکر شده است. بنابراین می‌توان تحول وضع سواد هر یک از سالهای دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ را بسیار به واقعیت نزدیک دانست. در هر حال چنانچه در جدول یاد شده ملاحظه می‌شود از سال ۱۳۵۶ به بعد روند با سوادی رشد صعودی داشته و در سال ۱۳۶۵ به بالاترین مقدار یعنی ۱/۸ رسیده است. با این حال، تعداد بی‌سوادان سال ۱۳۶۵، بالاتر از رقم مشابه در سال ۱۳۵۵ بوده است.

براساس ارقام جدول، در هر سال تعدادی به با سوادان کشور اضافه شده‌اند اما در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۹ این افزایش بگونه‌ای نبوده است که بتواند ازدیاد جمعیت ۶ سال و بیشتر را پوشش دهد، در نتیجه هر ساله بر جمعیت بی‌سوادان افزوده شده است بطوریکه قدر مطلق بی‌سوادان کشور پس از طی سیر صعودی به بالاترین میزان یعنی ۱۵/۴ میلیون نفر در سال ۱۳۵۹ رسیده است (ستون ۱۱). از سال ۱۳۶۰ به واسطه افزایش میزان قبولی دانش‌آموزان کلاس اول ابتدائی و تا حدی به واسطه فعالیت‌های سوادآموزی، تعداد سوادآموختگان بر میزان افزایش جمعیت پیشی گرفته و از تعداد کل بی‌سوادان در سال ۱۳۶۰ می‌کاهد. اما روند کاهش بی‌سوادان در سالهای بعد به گونه‌ای نبوده است که بتواند جبران افزایش تعداد بی‌سوادان در

سالهای ۵۹ - ۱۳۵۵ را بنماید در نتیجه علیرغم افزایش میزان با سواد جمعیت، قدر مطلق بی‌سوادان طی دهه ۶۵ - ۵۵ افزایش یافته است و بر این اساس ضرورت بازننگری در نقش و اهمیت آموزش ابتدائی به خوبی احساس می‌شود و به نظر می‌رسد چنانچه به این برنامه توجه شود نتایج مطلوب‌تری در وضع سواد حاصل شود. یکی از دلایل افزایش تعداد بی‌سوادان طی سالهای ۵۹ - ۱۳۵۵ را می‌توان در شرایط موجود کشور در آن سالها مشاهده کرد. به نظر می‌رسد عدم اقبال به کلاسهای سوادآموزی در سالهای ۵۷ - ۱۳۵۵ ناشی از احساس بی‌نیازی به سواد در نزد مردم، بی‌اعتمادی به تبلیغات رژیم گذشته و معوق ماندن آموزش سواد در خلال مبارزات انقلاب اسلامی بوده است.

در جدول شماره (۱۰) می‌توان پیش‌بینی تحول وضع سواد تا سال ۱۳۷۷ را مشاهده کرد. در این جدول سال (۱۳۶۵) بعنوان سال پایه در نظر گرفته شده است و ارقام آن بجز ستون مرگ و میر با سوادان همگی واقعی و براساس آمارهای رسمی می‌باشند. جمعیت ۶ سال و بیشتر سالهای ۷۷ - ۱۳۶۶ (بر اساس برآورد جمعیت دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه) با رشد متوسط ۳/۴ درصد برآورد شده است. ارقام ستونهای (۴) تا (۸) سال ۱۳۶۶ عملکرد واقعی می‌باشد و تعداد دانش‌آموزان اول ابتدائی سالهای ۷۷ - ۱۳۶۷ براساس برآورد دانش‌آموزان اول ابتدائی (که در مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای سازمان برنامه و بودجه محاسبه شده) منظور شده است. همچنین فرض شده است که میزان قبولی در هر سال افزایش یافته و از ۷۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۸۸ درصد در سال ۱۳۷۷ برسد. برآورد تعداد ثبت‌نام کنندگان کلاس‌های نهضت سوادآموزی با فرض ۴ درصد رشد متوسط سالیانه از سال ۱۳۶۶ بوده است و میزان قبولی نوآموزان نیز ثابت و برابر ۴۰ درصد فرض شده است.

همچنانکه در جدول ملاحظه می‌شود، پیش‌بینی تحول وضع سواد تا پایان برنامه اول و دوم جمهوری اسلامی ایران یعنی سال ۱۳۷۷ در حدود ۸۶ درصد با سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر می‌باشد. * معنای این امر آن است که از جمعیت ۵۷/۸ میلیون نفری گروه سنی ۶ سال و بیشتر در سال ۱۳۷۷، ۴۹/۷ میلیون نفر با سواد خواهند بود. در مقابل، تعداد بی‌سوادان از ۱۴/۸ میلیون نفر سال ۱۳۶۵ به ۸/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۷۷ کاهش خواهد یافت که موفقیت عظیمی را نوید می‌دهد. لازم به ذکر است که رخداد این تحول با فرض ثابت ماندن مسیزان قبولی نوآموزان سوادآموزی و رشد نسبتاً آرام میزان قبولی دانش‌آموزان کلاس اول می‌باشد. با این حال تحول یاد شده نسبت به دهه گذشته، از بهبود روند رشد سواد حکایت می‌کند.

در حال حاضر علیرغم تصویر مطلوب و رضایت بخشی که جدول شماره (۱۰) درباره وضع سواد ترسیم می‌نماید، انتظار بیش از آن است و با توجه به لزوم ریشه‌کنی بی‌سوادی در کوتاه مدت و تأکیدی که در این زمینه وجود دارد، گسترش فعالیت‌های آموزشی پایه ضرورت

خود را بیشتر می‌نمایاند. به همین دلیل در جدول شماره (۱۱) میزان باسوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر با فرض تسریع روند رشد سواد آموزی به نحوی پیش بینی شده است که از کل جمعیت یاد شده (۵۷/۸ میلیون نفر) حدود ۵۱/۵ میلیون نفر و به عبارتی ۸۹/۱ درصد جمعیت با سواد خواهند بود. در این جدول رشد جمعیت تحت پوشش سوادآموزی سریع‌تر شده و با مقدار متوسط سالیانه ۵/۳ درصد به ۱/۳ میلیون نفر در سال ۱۳۷۷ می‌انجامد. همچنین درصد قبولی کلاس‌های سوادآموزی افزایش یافته و تا ۶۸ درصد خواهد رسید. در صورتیکه پیش‌بینی‌های انجام شده در جدول شماره (۱۱) تحقق یابد، تعداد بی‌سوادان از ۱۴/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ به ۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ و ۶/۳ میلیون نفر در سال ۱۳۷۷ خواهد رسید. تعداد بی‌سوادان جدید نیز تا رقم ۱۵/۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت که در نهایت ۸۹/۱ درصد با سوادی را آشکار کرده و شاخص بی‌سوادی را تا ۱۰/۹ درصد تنزل خواهد داد.

در اینجا نکته بسیار مهمی که نباید از آن غفلت ورزید، مسأله برنامه ریزی و تهیه برنامه‌های اجرایی فعالیت‌های فوق و تامین اعتبار مورد نیاز آن می‌باشد. علاوه بر آن لزوم تحول در شیوه‌های سوادآموزی و ایجاد انعطاف در برنامه‌های اجرایی از جمله مواردی است که در تحقق اهداف مورد نظر تاثیر فراوان خواهد داشت. و چنانچه از مباحث اصلی و مهمی نظیر تعیین معیار واقعی با سوادی (یا خط سواد) و یا رجوع به معیارهای بین‌المللی صرف‌نظر شود، از مواردی چون ارتباط سواد و فرهنگ و ارتباط سواد و مهارت‌های شغلی نمی‌توان به سادگی گذر کرد.

«با سوادی» فی الواقع تعریف بهتری را می‌طلبد. بدین معنا که فردی را باید با سواد به حساب آورد که توانایی خواندن و نوشتن در نزد او تثبیت شده باشد. بر این مبنا، حداقل، گذراندن کلاس پنجم ابتدائی می‌تواند معیار قرار گیرد. از سوی دیگر اگر محتوای دوره‌های سوادآموزی برای شاغلان بی‌سواد، با حرفه آنان مرتبط باشد به تثبیت سواد و نتایج مفید حاصل از آن خواهد انجامید. مسأله تأثیر پذیری فرهنگ جامعه از سطح آموزش و سواد مردم نیز از جمله بدیهیاتی است که بجای خود بحث جالبی خواهد بود.

اگر برآوردهای جدول (۱۰) و جدول (۱۱) خوشبینانه فرض شود و براساس وضعیت موجود، فروض دیگری در نظر گرفته شود، در این صورت نیل به هدف ریشه‌کنی بی‌سوادی و یا به حداقل رساندن آن تا سال ۱۴۰۰ امکان پذیر نخواهد بود. در چنین وضعیتی بهتر آن است که گسترش پوشش آموزشی و فعالیت‌های سوادآموزی به گروه‌هایی از جامعه اختصاص یابد که نیروهای مولد امروز و فردا هستند. این تعریف عمدتاً گروه سنی ۳۵-۶ سال را در برمی‌گیرد و از این رو به پیش‌بینی تحول وضع سواد در این گروه سنی نیز پرداخته شده است. جدول شماره (۱۲) این برآورد را مشخص می‌سازد. در این جدول، ارقام جمعیت ۳۵-۶ سال از گزارش

برنامه کلان توسعه اقتصادی - اجتماعی استخراج شده و تعداد باسوادان گروه سنی سال ۱۳۶۵ از سرشماری عمومی نفوس و مسکن بدست آمده است. براساس آمارهای موجود نهضت سوادآموزی ۷۰ درصد جمعیت تحت پوشش این ارگان در گروه سنی ۲۵ - ۶ سال قرار دارند که به‌همین ترتیب در جدول محاسبه شده است.

براساس جدول یاد شده، در سال ۱۳۷۳، کل گروه سنی در زمره باسوادان قرار می‌گیرند و در نتیجه میزان باسوادی به ۱۰۰ درصد خواهد رسید. در سال ۱۳۶۵ از ۲۷/۷ میلیون نفر جمعیت گروه سنی ۲۰/۶ میلیون نفر باسواد بوده‌اند که ۷۴/۷ درصد باسوادی را نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن فرض جدول (۱۱) هر سال بطور متوسط ۳/۶ درصد بر جمعیت باسواد گروه سنی اضافه می‌شود و در نهایت به ۳۶/۹ میلیون نفر باسواد در سال ۱۳۷۳ می‌رسد که گسترش سواد بطور کامل را بیان خواهد کرد. چنانچه فعالیت‌های نهضت سوادآموزی در این محدوده متمرکز شود می‌توان انتظار داشت که هدف پاسوادی کامل در سالهای ۱۳۷۱ یا ۱۳۷۲ تحقق یابد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



مآخذ و منابع:

- ۱ - مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، تهران ۱۳۵۸
- ۲ - مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، تهران ۱۳۶۷
- ۳ - وزارت آموزش و پرورش، آمار آموزش و پرورش سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵، تهران
- ۴ - نهضت سوادآموزی، آمار فعالیتهای سال ۱۳۶۶ نهضت سوادآموزی، تهران، ۱۳۶۷
- ۵ - سازمان برنامه و بودجه، گزارش برنامه کلان توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی ۷۲ - ۱۳۶۸، تهران، ۱۳۶۷
- ۶ - سازمان برنامه و بودجه، بررسی عملکرد و وضع موجود بخش آموزش و پرورش عمومی ۶۶ - ۱۳۵۸، تهران ۱۳۶۸
- ۷ - سازمان برنامه و بودجه، برنامه توسعه بخش آموزش و پرورش عمومی ۷۲ - ۱۳۶۸، تهران ۱۳۶۸



جدول شماره (۱) : جمعیت کل ایران بر حسب جنس و هاستاک مناطق شهری و مناطق روستایی و جمعیت ۶ ساله و بیشتر در سالهای ۱۳۵۵ و ۶۵

جمعیت کل و سال و بیشتر	روست		شهر		جمعیت کل	ان		سور		جمعیت	سال
	نسبت در کل جمعیت	جمعیت	نسبت در کل جمعیت	جمعیت		نسبت در کل جمعیت	جمعیت	نسبت در کل جمعیت	جمعیت		
۸۵/۵	۲۱۱۱۲۸۲۴	۵۲/۹	۱۷۸۵۴۵۶۴	۲۷/۱	۱۵۸۵۴۶۸۵	۲۳۷۰۸۷۲۴	۲۸/۵	۱۶۴۵۳۲۱۷	۵۱/۵	۱۷۲۵۶۳۲۷	۱۳۵۵
۷۸/۳	۱۸۷۰۸۸۷۹	۴۵/۷	۲۴۵۰۴۴۹	۵۴/۳	۲۴۲۴۵۱۵	۲۹۲۴۵۱۵	۲۸/۸	۲۲۱۶۴۰۴۹	۵۱/۲	۱۵۳۸۵۱۶۱	۱۳۶۵
-۱/۲	۱۱۵۹۶۰۳۵	-۷/۲	۲۷۲۶۴۸۵	+۷/۲	۱۵۹۸۹۸۸۱	۱۵۷۲۶۴۶۶	+۰/۳	۷۸۱۱۶۵۲	-۵/۳	۷۲۲۶۶۱۴	قدرمطلق افزایش
	۲/۶		۲/۴		۵/۴	۲/۹		۳/۵		۳/۵	رشد متوسط سالانه

جدول شماره (۳) : جمعیت و جمعیت باسواد و بی سواد م ساله و بیشتر بر حسب جنس در سالهای ۵۵ و ۶۵

سال	جمعیت	مرد				زن							
		جمعیت	جمعیت باسواد	جمعیت باسواد دروسد	و بیشتر	جمعیت	جمعیت باسواد	جمعیت باسواد دروسد	و بیشتر				
۱۳۵۵	۳۷۱۱۲۸۲۴	۱۳۲۳۵۷۶۹	۱۲۸۷۷۰۷۵	۲۷/۵	۱۳۹۲۵۵۹۱	۵۲۲۶۰۰۲	۸۱۱۷۹۱۸۷	۵۸۸/۹	۱۳۲۸۷۳۲۲	۸۵۰۸۱۶۵	۱۳۲۸۷۳۲۲	۲۵/۵	۴۰۷۹۰۸۸
۱۳۶۵	۳۸۷۰۸۸۷۹	۱۴۶۰۷۶۶۸	۱۴۹۱۳۱۹۵	۶۲/۰	۱۹۸۲۱۱۵۵	۵۶۲۱۹۰۲	۱۴۰۷۷۸۶۵	۷۱/۱	۱۸۸۶۷۲۲	۸۹۲۴۷۶۶	۱۸۸۶۷۲۲	۵۲/۱	۹۸۳۵۲۹۹
مدرستگانی آموزش	۱۱۵۱۶۰۳۵	۳۷۱۸۱۹۹	۱۱۵۱۶۰۳۵	۱۲/۵	۵۸۹۶۵۶۲	۶۲۷۰۲	۵۸۷۹۹۰۱	۱۲/۲	۵۶۹۲۲۷۱	۲۲۶۶۰۱	۵۶۹۲۲۷۱	۱۶/۶	۵۱۵۶۲۱۱
رشد متوسط سالانه	۲/۶	۵/۲۷	۶/۴	۳/۶	-/۱۱	۵/۵	-/۵	۲/۷	۵/۵	۲/۷	۲/۷	۷/۷	۵/۷

منبع : سرشماری ۱۳۵۳

جدول شماره (۳) : جمعیت و جمعیت باسواد و بی سواد م ساله و بیشتر به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سالهای ۵۵ و ۶۵

سال	جمعیت	شهر				روستا							
		جمعیت	جمعیت باسواد	جمعیت باسواد دروسد	و بیشتر	جمعیت	جمعیت باسواد	جمعیت باسواد دروسد	و بیشتر				
۱۳۵۵	۳۷۱۱۲۸۲۴	۱۳۲۳۵۷۶۹	۱۲۸۷۷۰۷۵	۲۷/۵	۱۳۱۸۲۵۶۸	۵۵۹۴۲۲۹	۸۶۲۸۲۲۹	۶۵/۵	۱۳۲۸۷۳۲۲	۸۵۰۸۱۶۵	۱۳۲۸۷۳۲۲	۲۵/۵	۴۰۷۹۰۸۸
۱۳۶۵	۳۸۷۰۸۸۷۹	۱۴۶۰۷۶۶۸	۱۴۹۱۳۱۹۵	۶۱/۸	۲۱۲۱۵۳۰۲	۵۵۹۱۱۱۹	۱۵۵۰۶۶۶۶	۷۳/۱	۱۷۲۱۸۵۷۶	۹۰۵۵۵۲۹	۱۷۲۱۸۵۷۶	۵۲/۲	۸۲۰۶۵۲۹
مدرستگانی آموزش	۱۱۵۱۶۰۳۵	۳۷۱۸۱۹۹	۱۱۵۱۶۰۳۵	۱۲/۵	۸۰۲۷۳۲۸	۱۰۶۲۹۰۵	۶۸۸۹۲۲۷	۷/۶	۲۵۶۴۲۰۰	۶۷۲۸۹۱	۲۵۶۴۲۰۰	۲۳/۸	۱۰۱۷۶۹۲
رشد متوسط سالانه	۲/۶	۵/۲۷	۶/۴	۲/۸	۲/۱	۶/۱	۵/۱	۲/۳	۲/۳	-/۱	۲/۳	۷/۵	۵/۷

جدول شماره (۹) : وضعیت سواد در گروه های سنی ۱۰-۱۴ ساله و ۱۵-۱۹ ساله در استان قم، زمستان و بهار ۱۳۵۵ خ.س

گروه سنی	۱۳۵۵				۱۳۵۵				جمعیت
	درصد	تعداد	جنسیت	درصد	تعداد	جنسیت	درصد	تعداد	
۱۰-۱۴ ساله	مرد	۱۱۶۲۵۲	۱۱۶۲۵۲	۱۰۰٪	۱۱۶۲۵۲	۱۱۶۲۵۲	۱۰۰٪	۱۱۶۲۵۲	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد	
۱۵-۱۹ ساله	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
	مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد
مرد	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	۲۳۳۳۱۸	۱۰۰٪	۲۳۳۳۱۸	مرد	

جدول شماره (۵) : پیگیری تحول وضع سواد در گروههای سنی مختلف در سالهای ۵۵ تا ۶۵

۱۳۶۵			۱۳۵۵			گروه سنی
جمعیت با سواد	جمعیت بیسواد	جمعیت	جمعیت با سواد	جمعیت بیسواد	جمعیت	
—	—	۱۰۷۳۶۱۳۱	—	—	—	—
۴۸۳۱۹۴۴	۹۲۱۱۵۳	۵۸۳۲۵۸۶	—	—	—	—
۵۸۴۰۹۴۴	۱۲۱۴۸۱۲	۷۰۵۵۹۷۶	—	—	۶۵۹۵۹۰۰	۵۰ سال
۱۰۰۳۴۵۹۳	۴۷۳۲۱۴۳	۱۴۸۰۲۵۳۰	۹۷۱۶۰۸۸	۵۰۸۹۸۵۵	۱۴۸۰۵۸۴۳	۶-۲۴ سال
۲۴۴۶۱۸۱	۴۴۷۴۷۶۸	۶۹۵۶۹۷۸	۲۳۰۸۴۱۶	۴۸۰۵۴۷۰	۷۱۱۳۸۸۶	۲۵-۴۴ سال
۷۴۷۵۳۳	۳۲۶۴۷۹۲	۴۰۴۷۸۰۹	۸۵۲۵۷۱	۴۳۴۰۴۴۴	۵۱۹۳۱۱۵	۴۵ سال و بیشتر
۳۳۹۱۳۱۹۵	۴۶۰۷۶۶۸	۴۹۴۴۵۰۱۰	۱۲۸۷۷۰۷۵	۱۴۲۳۵۷۶۹	۳۳۷۰۸۷۴۴	جمع
			جمع			

جدول شماره ۶ : وضعیت سواد در استانهای کشور در سال ۱۳۶۵

استان	جمعیت ۶ سال و بیشتر	جمعیت با سواد ۶ سال و بیشتر	میزان با سواد
۱ تهران	۶۹۹۹۸۵۸	۵۴۷۷۳۰۶	۷۸/۲
۲ اصفهان	۲۶۰۳۹۶۸	۱۸۴۷۲۲۲	۷۰/۹
۳ سمنان	۳۳۴۴۸۹	۲۳۶۰۲۹	۷۰/۵
۴ یزد	۴۴۷۲۳۴	۳۱۱۲۲۳	۶۹/۵
۵ گیلان	۱۷۰۲۴۱۰	۱۱۲۳۷۵۶	۶۶/۰
۶ فارس	۲۴۶۰۶۳۳	۱۶۱۶۰۷۳	۶۵/۶
۷ مازندران	۲۷۰۲۳۳۵	۱۷۱۴۴۱۰	۶۳/۴
۸ مرکزی	۸۶۰۱۶۰	۵۳۶۵۹۲	۶۱/۳
۹ بوشهر	۴۶۵۰۴۰	۲۸۴۰۹۵	۶۱/۰
۱۰ خوزستان	۲۰۳۴۶۵۶	۱۲۰۴۴۴۶	۵۹/۱
۱۱ کرمان	۱۲۴۳۹۸۰	۷۳۱۱۸۷	۵۸/۷
۱۲ زنجان	۱۲۳۵۵۸۷	۷۱۳۷۱۶	۵۷/۷
۱۳ چهارمحال و بختیاری	۴۷۵۸۶۳	۲۷۱۲۸۳	۵۷/۰
۱۴ همدان	۱۱۷۶۴۹۷	۶۶۸۲۲۴	۵۶/۷
۱۵ خراسان	۴۰۸۱۸۹۲	۲۳۰۲۸۶۰	۵۶/۴
۱۶ باختران	۱۱۳۶۶۵۷	۶۲۲۳۳۳	۵۵/۶
۱۷ کهگیلویه و بویراحمد	۳۰۴۹۹۲	۱۶۲۸۶۳	۵۳/۳
۱۸ لرستان	۱۰۴۸۴۰۲	۵۵۲۷۲۴	۵۲/۷
۱۹ ایلام	۲۸۶۲۹۲	۱۵۰۴۷۹	۵۲/۵
۲۰ آذربایجان شرقی	۳۲۶۲۷۱۰	۱۷۰۴۸۸۶	۵۲/۲
۲۱ هرمزگان	۵۷۱۲۳۵	۲۹۴۹۹۹	۵۱/۶
۲۲ آذربایجان غربی	۱۵۵۹۱۰۰	۷۳۳۲۲۸	۴۷/۰
۲۳ کردستان	۸۳۰۵۱۳	۳۳۵۷۲۹	۳۹/۲
۲۴ سیستان و بلوچستان	۸۸۲۱۷۶	۳۱۷۵۲۲	۳۵/۹
جمع	۳۸۷۰۸۸۷۹	۲۳۹۱۳۱۹۵	۶۱/۸

ماخذ : سرشماری عمومی نفوس و مسکن استانها (سال ۱۳۶۵)

جدول شماره ۷: وضعیت سواد استانهای کشور بر حسب مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۴۵

استان	مناطق شهری		مناطق روستایی	
	جمعیت فعال و بیشتر	جمعیت باسواد ۶ سال و بیشتر	جمعیت فعال و بیشتر	جمعیت باسواد ۶ سال و بیشتر
۱ تهران	۶۰۸۹۰۷۶	۴۸۸۱۶۷۹	۹۱۰۷۸۲	۵۱۵۶۲۷
۲ اصفهان	۱۶۸۲۲۱۱	۱۲۷۳۰۵۸	۹۱۹۷۵۷	۵۷۴۱۶۴
۳ سمنان	۱۹۵۲۳۳	۱۵۲۳۲۴	۱۳۹۴۶۶	۸۳۷۰۵
۴ یزد	۳۹۷۱۸۹	۳۱۶۸۷۹	۱۵۰۰۴۵	۹۲۳۲۴
۵ گیلان	۶۳۷۹۸۲	۴۹۰۲۱۰	۱۰۶۴۴۷۷	۶۲۳۵۴۴
۶ فارس	۱۲۷۴۸۸۷	۹۶۸۶۴۹	۱۱۸۵۷۴۶	۶۴۷۷۲۴
۷ مازندران	۱۰۴۱۲۴۴	۷۷۱۱۷۲	۱۶۶۱۰۹۱	۹۴۳۲۳۸
۸ مرکزی	۳۷۲۴۶۰	۲۷۵۱۲۹	۴۸۵۹۰۰	۲۶۱۴۶۳
۹ بوشهر	۳۳۲۳۳۸	۱۶۲۴۵۰	۲۳۲۷۰۲	۱۲۱۴۴۵
۱۰ خوزستان	۱۱۴۰۱۷۰	۸۱۴۵۰۱	۸۱۲۴۴۶	۳۸۹۹۳۵
۱۱ کرمان	۵۳۹۳۴۶	۳۹۱۲۷۶	۷۰۴۴۴۴	۳۳۹۹۱۱
۱۲ زنجان	۵۲۸۱۴۵	۳۷۵۰۳۵	۷۰۷۴۴۲	۲۳۸۶۹۱
۱۳ چهارمحال و بختیاری	۱۷۷۲۱۶	۱۲۳۸۵۲	۲۹۸۵۲۷	۱۴۷۲۴۱
۱۴ همدان	۴۴۷۲۲۲	۳۱۱۲۴۸	۷۲۹۲۵۵	۳۵۶۹۷۶
۱۵ خراسان	۱۱۷۲۷۶۴	۱۳۹۹۶۹۸	۲۱۰۹۱۲۸	۹۰۳۱۶۲
۱۶ باختران	۶۲۱۶۵۶	۴۱۸۱۹۸	۴۹۵۰۰۱	۲۱۴۱۳۵
۱۷ کهگیلویه و بویراحمد	۸۲۶۲۸	۶۰۹۵۵	۲۲۳۳۶۴	۱۰۱۹۰۸
۱۸ لرستان	۴۹۳۷۶۲	۳۲۲۷۲۶	۵۵۴۴۴۰	۲۸۹۹۸۸
۱۹ ایلام	۱۱۷۴۰۷	۷۶۷۹۸	۱۶۸۶۸۵	۷۴۶۸۱
۲۰ آذربایجان شرقی	۱۶۱۰۵۸۹	۱۰۴۶۷۳۵	۱۶۵۴۱۲	۶۵۸۱۵۱
۲۱ هرمزگان	۳۲۹۶۶۱	۱۶۰۱۲۶	۳۲۱۵۲۴	۱۳۴۸۵۳
۲۲ آذربایجان غربی	۷۲۱۷۷۸	۴۵۱۶۲۳	۸۳۳۲۲۲	۲۸۱۶۰۵
۲۳ کردستان	۳۲۹۹۵۷	۱۸۰۰۵۱	۵۰۰۵۵۶	۱۴۵۶۷۸
۲۴ سیستان و بلوچستان	۳۵۱۲۹۱	۱۸۱۰۶۴	۵۳۰۸۸۵	۱۳۴۴۵۸
جمع	۲۱۲۱۰۳۰۲	۱۵۵۰۶۶۶۶	۷۶۹۸۵۷۶	۴۸۰۶۸۲۶

ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن استانها سال ۱۳۴۵

جدول شماره ۸ : وضعیت سواد در استانهای کشور بر حسب جنس در سال ۱۳۴۵

استان	مرد		زن	
	جمعیت ۶ سال و بیشتر	جمعیت باسواد ۶ سال و بیشتر	جمعیت ۶ سال و بیشتر	جمعیت باسواد ۶ سال و بیشتر
۱ تهران	۲۴۰۴۰۲۵	۳۰۱۹۵۴۸	۲۳۹۵۸۲۳	۲۴۵۷۷۵۸
۲ اصفهان	۱۲۵۱۸۰۴	۱۰۶۱۶۰۶	۱۲۵۲۱۶۲	۷۸۵۶۱۶
۳ سمنان	۱۷۱۱۹۴	۱۲۲۶۶۶	۱۶۳۳۹۵	۱۰۳۲۶۳
۴ یزد	۲۲۱۶۶۳	۱۷۸۴۵۰	۲۱۵۵۷۱	۱۳۲۷۷۳
۵ گیلان	۸۵۹۸۲۴	۶۳۵۲۵۲	۸۴۳۵۸۶	۴۸۸۵۰۴
۶ فارس	۱۲۶۰۸۹۶	۹۴۰۸۵۹	۱۱۹۹۷۳۷	۶۷۵۲۱۴
۷ مازندران	۱۳۶۰۹۱۳	۹۸۵۳۸۷	۱۳۴۱۳۲۲	۷۲۹۰۲۳
۸ مرکزی	۴۲۷۲۲۴	۳۲۰۱۳۳	۴۲۷۳۲۶	۲۱۶۴۵۸
۹ بوشهر	۲۴۵۸۲۵	۱۶۸۰۳۶	۲۲۹۲۱۵	۱۱۶۰۵۹
۱۰ خوزستان	۱۰۳۲۱۰۰	۷۲۲۴۰۵	۹۹۳۵۵۶	۴۸۲۰۴۱
۱۱ کرمان	۶۳۰۵۱۲	۳۱۵۳۲۲	۶۱۳۳۶۶	۳۱۵۷۶۵
۱۲ زنجان	۶۳۲۲۷۲	۴۳۳۷۵۶	۶۰۳۳۱۵	۳۷۹۹۶۰
۱۳ چهارمحال و بختیاری	۲۴۵۳۲۶	۱۶۹۱۳۳	۲۳۰۵۳۷	۱۰۲۱۳۹
۱۴ همدان	۶۱۴۴۰۰	۴۳۳۲۷۸	۵۴۲۰۹۲	۳۴۹۲۴
۱۵ خراسان	۲۰۷۲۷۸۱	۱۳۵۹۳۳۷	۲۰۰۹۱۱۱	۹۴۳۵۳۳
۱۶ باختران	۵۸۶۸۵۲	۳۹۷۰۸۹	۵۴۹۸۴۵	۲۳۵۲۴۴
۱۷ کهگیلویه و بویر احمد	۱۵۷۵۳۰	۱۰۳۰۱۹	۱۲۷۴۶۲	۵۸۸۴۴
۱۸ لورستان	۵۳۸۹۱۱	۳۳۳۰۶۷	۵۰۹۲۴۱	۳۰۹۶۶۷
۱۹ ایلام	۱۴۸۸۶۰	۹۵۵۰۴	۱۲۷۳۳۳	۵۴۹۷۵
۲۰ آذربایجان شرقی	۱۶۷۵۴۸۶	۱۰۸۲۹۷۶	۱۵۸۹۲۳۴	۶۲۱۹۱۰
۲۱ هرمزگان	۲۱۳۰۳۰	۱۷۸۸۲۳	۲۷۸۲۰۵	۱۱۶۱۷۶
۲۲ آذربایجان غربی	۷۳۳۷۲۲	۴۷۰۹۸۶	۷۶۵۳۰۶	۲۶۲۲۲۲
۲۳ کردستان	۳۲۷۴۱۵	۲۳۲۱۸۵	۳۰۳۰۹۸	۹۳۴۴
۲۴ سیستان و بلوچستان	۴۴۹۳۰۶	۲۰۷۹۷۷	۴۳۲۸۷۰	۱۰۹۵۴۵
جمع	۱۶۸۳۳۱۵۵	۱۰۰۷۷۸۱۶	۱۸۸۸۶۷۲۴	۹۸۳۵۳۹۹

ناخذ : سرشماری عمومی نفوس و مسکن استانهای سال ۱۳۴۵

جدول شماره ۹ : چگونگی تحول وضع سواد طی سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵ در جمعیت ۶ سال و بیشتر

پایه تحصیلی	تعداد سربازان	تعداد سربازان در صدهای اول	تعداد سربازان در صدهای دوم	تعداد سربازان در صدهای سوم	سواد سربازان			سواد سربازان		تعداد سربازان	سال و بیشتر	ردیف
					جمع کل سربازان	سربازان	نسبت سربازان	نسبت سربازان	نسبت سربازان			
۳۷/۵	۱۲۲۵۶۹ ۵۲/۵	۹۲۲۲۲	۹۸۲۰۰	۲۸۱۵۴۷	۷۰۳۸۶۶	۸۰۹۸۹۷	۱۲۴۵۹۹۵	۱۲۸۷۲۰۷۵	۱۰۹۲۷۲۱۶	۲۷۱۱۲۸۲۲	۵۵	
۳۸/۱	۱۲۵۸۱۲۹ ۵۱/۹	۸۷۲۷۹۳	۹۶۲۰۰	۱۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۹۳	۱۲۲۲۴۵۱	۱۳۵۱۲۱۱۱	۱۱۹۲۲۰۶۰	۲۸۰۹۷۰۶۰	۵۶	
۳۹/۰	۱۳۸۲۷۰۷ ۵۱/۰	۸۹۹۷۰۷	۹۶۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۲۶۶۰۰۰	۷۹۵۷۰۷	۱۲۳۸۰۰۳	۱۳۲۷۸۲۵۵	۱۲۷۹۲۲۵۳	۲۹۱۱۶۹۶۲	۵۷	
۳۹/۸	۱۵۱۶۲۲۲ ۵۰/۳	۷۷۵۵۹۱	۹۸۵۰۰	—	—	۸۷۲۰۹۱	۱۲۳۳۲۲۵	۱۵۰۲۷۱۸۵	۱۳۶۹۳۱۶۰	۳۰۱۷۳۹۰۷	۵۸	
۵۰/۷	۱۵۲۱۵۸۹۹ ۴۹/۳	۸۰۰۰۰۷	۱۰۳۰۰۰	—	—	۹۰۳۰۰۷	۱۲۸۳۷۰۰	۱۵۸۵۳۲۲۱	۱۲۲۶۹۵۵۱	۳۱۲۶۹۲۱۹	۵۹	
۵۲/۴	۱۵۰۰۲۱۲۹ ۴۴/۴	۱۱۳۷۸۲۷	۱۲۲۰۰	۳۰۱۳۰۴	۷۸۲۰۲۷	۹۶۰۷۴۲	۱۲۶۰۶۵۷	۱۷۲۱۲۰۴۲	۱۵۲۶۹۵۵۸	۳۲۰۰۳۲۹۱	۶۰	
۵۵/۶	۱۴۰۰۰۶۸ ۴۲/۳	۱۳۲۲۶۹۷	۱۳۸۲۰۰	۳۱۱۹۰۵	۷۵۰۱۳۰	۱۱۳۱۲۹۲	۱۵۲۲۹۵۳	۱۸۶۸۰۴۹۸	۱۶۲۰۷۲۰۵	۳۳۵۸۰۵۶۶	۶۱	
۵۷/۵	۱۲۷۸۰۳۸ ۴۲/۵	۱۳۲۶۶۱۱	۱۳۲۰۰۰	۲۶۲۵۲۸	۶۷۱۸۳۹	۱۲۸۲۸۳	۱۶۰۷۷۶۶۱	۲۰۰۱۱۵۰۳	۱۷۷۲۱۹۰۲	۳۴۹۹۹۵۰	۶۲	
۵۹/۰	۱۴۷۷۲۱۹ ۴۱/۰	۱۳۴۴۶۹۹	۱۵۱۰۰۰	۳۳۸۸۲۵	۵۸۲۰۱۳	۱۲۵۷۱۲۲	۱۶۵۱۱۱۸	۲۱۲۹۱۳۴۲	۱۹۰۵۸۲۱۳	۳۶۰۶۲۷۶۳	۶۳	
۶۱/۲	۱۴۳۰۱۷۰ ۴۳/۴	۱۵۲۶۸۲۹	۱۶۶۲۰۰	۲۸۲۹۳	۷۰۹۵۵۴	۱۴۰۸۵۳۶	۱۸۲۸۸۶۸	۲۲۹۲۱۷۰۴	۲۰۰۳۳۲۸۲	۳۳۳۷۱۸۲۱	۶۴	
۶۱/۸	۱۳۵۰۵۴۸ ۴۹/۳	۱۵۸۵۹۸۱	۱۷۵۷۰۰	۲۴۴۲۹۳	۷۰۹۶۶۰	۱۴۹۸۵۸۸	۱۸۷۶۰۱۳	۲۳۹۱۲۱۹۵	۲۱۹۳۰۱۱۱	۳۸۷۰۸۸۷۹	۶۵	

مخبر: ۱- جدول شماره (۱) ۲- آمار آموزش و پرورش سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵ ۳- آمار نهفت سواد آموزی

جدول شماره ۹۰ : بزرگترین جدول وضع سواد طی سالهای ۷۲ - ۱۳۶۵ در جمعیت ۶ سال و بیشتر (برخی اول)

سال	جمعیت کل ۶ سال و بیشتر	صداها با سوادمان		با سواد نمان جمعیت					میزان با سواد	تعداد با سوادمان	خالص افزایش	میزان سوادمان در جمعیت سوادمان
		سال ۷ بیشتر	سال ۶ و بیشتر	۱	۲	۳	۴	۵				
۶۵	۳۸۷۰۸۸۷۹	۶۱۰۳۰۱۱۱	۳۳۹۱۳۲۱۹۵	۱۸۷۶۰۱۳	۱۳۹۸۳۸۸	۷۰۹۶۶۵	۲۶۹۹۱۳	۱۶۶۱۷۸۲	۱۷۵۷۰۰۰	۱۵۸۶۹۸۱	۱۲۷۹۵۶۸۲	۱۱
۶۶	۳۰۰۳۲۸۵۰	۲۵۵۱۷۰۹۲	۳۲۵۷۲۳۷	۱۹۹۷۱۰۸	۱۵۱۷۶۸۶	۷۲۳۵۲۷	۲۵۵۸۵	۱۸۷۲۵۵۱	۱۸۷۸۰۰۰	۱۶۸۵۲۳۱	۱۳۴۷۲۳۳	۶۵/۶
۶۷	۲۱۳۵۸۵۳۰	۱۶۲۳۵۸۳۳	۲۸۰۹۶۹۲۳	۱۱۱۴۱۰۰	۱۶۳۸۹۹۸	۷۸۰۰۰۰	۳۱۲۰۰۰	۱۶۵۰۹۹۸	۱۹۸۰۰۰	۱۷۶۲۱۹۸	۱۳۳۸۸۹۷	۶۷/۹
۶۸	۲۳۷۲۲۹۹۸	۲۰۹۶۵۰۴۱	۳۰۱۵۷۰۴۱	۲۳۳۲۰۰۰	۱۸۲۲۳۵۰	۸۱۰۰۰۰	۳۲۲۰۰۰	۲۱۶۶۲۸۰	۲۱۶۲۰۰۰	۱۹۵۰۰۸۰	۱۲۶۸۵۹۱۷	۷۰/۴
۶۹	۲۳۲۷۹۰۵۸	۱۸۱۱۵۱۱۱	۳۱۱۳۷۱۱۱	۲۳۷۲۰۰۰	۱۸۷۶۶۰۰	۸۴۰۰۰۰	۳۳۶۰۰۰	۲۲۳۳۶۰۰	۲۲۷۲۰۰۰	۲۰۵۶۳۰۰	۱۱۱۲۰۷۹۱۷	۷۲/۶
۷۰	۲۵۷۵۲۳۳۷	۲۰۹۱۲۳۱۱	۳۳۱۹۵۳۱۱	۲۳۹۲۰۰۰	۱۹۳۹۱۳۰	۸۵۰۰۰۰	۳۵۲۰۰۰	۲۲۹۱۱۳۰	۲۲۸۲۰۰۰	۲۰۵۲۹۴۰	۱۱۵۵۶۰۹۶	۷۴/۸
۷۱	۲۷۳۰۷۹۱۷	۲۳۱۷۲۴۵۱	۳۲۱۱۳۴۵۱	۲۳۲۸۰۰۰	۱۹۹۰۹۶۰	۹۱۰۰۰۰	۳۶۲۰۰۰	۲۵۳۹۶۰	۲۴۹۶۰۰۰	۲۱۰۵۳۶۰	۱۰۹۹۹۵۶۶	۷۶/۸
۷۲	۲۸۹۱۳۲۸۶	۲۵۰۷۹۷۱۱	۳۵۰۷۹۷۱۱	۲۴۳۲۰۰۰	۲۰۲۴۸۶۰	۹۵۰۰۰۰	۳۸۰۰۰۰	۲۳۶۸۶۰	۲۳۶۶۰۰۰	۲۱۱۶۶۲۰	۱۰۴۲۴۷۵	۷۸/۶
۷۳	۳۰۵۷۹۵۴۳	۳۰۵۷۹۵۴۳	۳۳۷۲۸۹۷۱	۲۸۸۲۰۰۰	۱۹۱۶۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰	۲۳۱۶۰۰۰	۲۶۲۷۰۰۰	۲۰۵۱۳۰۰	۱۰۰۷۱۵۷۲	۸۰/۱
۷۴	۳۲۲۹۱۲۳۸	۳۲۲۹۱۲۳۸	۳۲۶۸۳۳۱	۲۳۲۶۰۰۰	۱۹۹۲۰۰۰	۱۰۶۰۰۰۰	۳۲۳۰۰۰	۲۳۱۸۰۰۰	۲۷۸۰۰۰۰	۲۱۸۰۰۰۰۰	۹۲۱۹۱۷۷	۸۱/۶
۷۵	۳۵۰۷۷۲۲۲	۳۵۰۷۷۲۲۲	۳۱۶۱۲۷۲۱	۲۳۹۰۰۰۰	۲۰۵۵۰۰۰	۱۱۳۰۰۰۰	۳۵۲۰۰۰	۲۵۷۰۰۰	۲۹۱۰۰۰۰	۲۱۱۶۰۰۰۰	۹۱۴۰۱۵۱	۸۳/۱
۷۶	۳۵۹۱۶۰۵۳	۳۵۹۱۶۰۵۳	۳۲۶۸۸۳۷۱	۲۴۵۰۰۰۰	۲۱۳۳۰۰۰	۱۳۰۰۰۰۰	۳۸۰۰۰۰	۲۶۱۶۰۰۰	۳۰۵۳۰۰۰	۲۳۱۰۷۰۰	۸۴۷۷۷۸۲	۸۴/۶
۷۷	۳۶۸۱۷۲۰۰	۳۶۸۱۷۲۰۰	۳۰۹۲۳۹۷۱	۲۵۸۰۰۰۰	۲۲۴۰۰۰۰	۱۳۷۰۰۰۰	۵۰۸۰۰۰	۲۶۳۲۰۰۰	۳۱۵۳۰۰۰	۲۳۱۶۶۰۰	۸۵۷۴۳۳۹	۸۶/۶

ملاحظه: ۱- جدول شماره (۹۱) ۲- آمار آموزش و پرورش و جمعیت سواد آموزش ۳- آمار آموزش و پرورش و جمعیت سواد آموزش ۴- آمار آموزش و پرورش و جمعیت سواد آموزش ۵- آمار آموزش و پرورش و جمعیت سواد آموزش ۶- آمار آموزش و پرورش و جمعیت سواد آموزش ۷- آمار آموزش و پرورش و جمعیت سواد آموزش ۸- آمار آموزش و پرورش و جمعیت سواد آموزش ۹- آمار آموزش و پرورش و جمعیت سواد آموزش ۱۰- آمار آموزش و پرورش و جمعیت سواد آموزش

جدول شماره ۱۲ : برآورد تحول وضع سواد جمعیت ۲۵-۶ سال در دوران برنامه اول جمهوری اسلامی ایران

سال	سایه سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر							جمعیت ۶ سال و بیشتر	کلی	سال
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷			
۱۳۶۵	۲۷۷۰۳۹۹۲	۲۰۶۹۹۲۸۱	۱۸۷۶۰۱۳	۱۹۹۸۳۸۸	۲۶۲۲۹۲	۱۸۵۰۰۰	۱۶۸۳۳۸۸	۶۹۰۰۰	۱۶۱۳۳۸۸	۷۴/۷
۱۳۶۶	۲۸۶۲۵۲۱۰	۲۲۱۱۳۴۶۹	۱۹۹۷۱۰۸	۱۵۹۷۶۸۶	۲۷۵۸۵۵	۱۹۳۰۰۰	۱۲۹۵۶۸۶	۷۲۰۰۰	۱۲۹۸۶۸۶	۷۸/۹
۱۳۶۷	۲۹۶۱۹۲۵۳	۲۹۶۱۹۲۵۵	۲۱۱۲۴۱۰۰	۱۶۴۸۹۲۸	۳۱۲۰۰۰	۲۳۰۰۰۰	۱۸۵۸۹۲۸	۷۳۰۰۰	۱۷۹۹۹۲۸	۸۱/۱
۱۳۶۸	۳۰۶۱۳۳۱۱	۳۰۸۱۷۶۵۳	۲۳۳۲۰۰۰	۱۸۳۲۸۵	۳۳۸۰۰۵	۲۵۰۰۰۰۰	۲۰۹۲۳۸۰	۷۷۰۰۰	۲۰۱۵۳۸۰	۸۴/۳
۱۳۶۹	۳۱۶۶۷۷۰۸	۳۱۶۶۷۷۰۸	۲۴۷۲۰۰۰	۱۸۹۷۶۰۰	۳۸۰۰۰۰	۲۲۳۰۰۰	۱۱۱۵۶۰۰	۷۹۰۰۰	۲۱۱۱۶۰۰	۸۷/۱
۱۳۷۰	۳۲۷۳۲۴۱۰	۲۹۹۵۴۶۳۳	۲۳۹۴۰۰۰	۱۹۳۹۱۴۰	۴۴۰۰۰۰	۲۴۳۰۰۰	۲۳۰۱۱۴۰	۸۲۰۰۰	۲۲۹۹۱۴۰	۹۱/۵
۱۳۷۱	۳۳۸۵۷۲۱۹	۳۲۱۷۳۶۲۳	۲۳۷۸۰۰۰	۱۹۹۰۹۶۰	۵۱۸۰۰۰	۲۴۰۰۰۰	۲۲۴۰۹۶۰	۸۵۰۰۰	۲۳۵۹۶۰	۹۵/۰
۱۳۷۲	۳۵۰۰۸۸۸۱	۳۴۵۱۹۶۳۳	۲۴۳۲۰۰۰	۲۰۳۲۸۶۰	۶۰۶۰۰۰	۵۱۵۰۰۰	۲۵۴۱۸۶۰	۸۶۰۰۰	۲۴۵۵۸۶۰	۹۸/۶
۱۳۷۳	۳۶۱۹۹۱۸۳	۳۶۱۹۹۱۸۳								۱۰۰

منابع: ۱- جدول شماره (۱) و (۲)
 ۲- گزارش برنامه کلان توسعه اقتصادی

جدول شماره ۱۴ : وضعیت جمعیت و جمعیت اسبواک و اسبواک بر وجهه جنس در سال ۱۳۵۵

ردیف	نر			سور			جمع			جنس
	درصد	تعداد	جمعیت	درصد	تعداد	جمعیت	درصد	تعداد	جمعیت	
اسبواک										گروه سنی تولد یافته
۶۱/۴	۱۲۱۵۱۹۰	۷۴۵۱۹۸	۱۹۸۱۱۶۸	۸۱/۱	۱۷۳۷۵۳۲	۲۰۵۱۱۵۲	۶۱/۶	۲۴۲۳۴۹۳	۱۱۶۲۶۵۲	۱-۵ ساله
۶۱/۵	۱۲۶۶۹۲۲	۷۲۷۵۳۴	۲۰۴۳۲۷۳	۸۵/۸	۱۹۳۳۲۴۵	۲۳۱۱۱۹۰	۷۴/۵	۲۱۸۳۳۸۹	۱۱۸۷۲۹	۱-۵ ساله
۶۱/۲	۲۳۲۹۹۱۲	۱۵۵۲۳۷۲	۴۰۶۵۴۵۱	۸۳/۶	۲۶۶۲۶۶۸	۷۲۳۳۲۴	۷۳/۸	۶۱۱۳۳۲۸۲	۲۳۸۶۰۸۱	۴-۱۲ ساله
۷۷/۶	۸۱۷۹۹۲	۹۳۳۷۳۲	۱۷۸۱۷۶۶	۷۳/۱	۱۳۳۷۹۸۵	۳۷۰۵۵۲	۶۱/۵	۲۱۱۵۵۱۹	۱۴۰۳۲۸۶	۱۵-۱۹ ساله
۲۵/۳	۵۱۲۳۵۰	۳۴۸۸۰۷	۱۴۵۱۱۵۷	۶۵/۷	۸۸۰۲۷۷	۴۶۰۵۸۱	۶۹/۱	۱۲۹۳۷۲۷	۱۳۹۹۳۸۸	۲۰-۲۴ ساله
۳۱/۱	۱۳۶۰۴۳۲	۱۸۷۲۵۳۹	۳۳۳۲۹۸۳	۷۰/۶	۲۲۲۸۱۶۴	۳۲۱۱۳۵	۵۶/۱	۴۵۸۸۷۰۶	۲۸۵۳۶۷۲	جمع ۱۵-۲۴ ساله
۳۷/۲	۲۴۹۳۱۱	۸۵۲۰۷۹	۱۱۰۱۳۹۰	۵۷/۶	۵۸۱۳۲۱	۲۲۸۷۵۴	۴۱/۸	۸۸۰۷۵۲	۱۳۳۰۸۳۲	۲۵-۲۹ ساله
۴۱/۱	۱۸۱۶۸۹	۶۸۲۸۵۵	۸۶۲۵۲۲	۳۷/۵	۲۱۵۳۱۱	۵۱۳۵۲۱	۳۵/۵	۵۲۶۶۰۱	۱۱۰۵۹۴۶	۳۰-۳۴ ساله
۱۵/۱	۱۱۰۹۴۹	۶۸۵۳۰	۸۰۱۲۷۹	۴۱/۵	۲۸۷۲۰۷	۴۸۷۰۳۲	۲۸/۳	۴۵۹۲۵۶	۱۱۶۷۳۲۲	۳۵-۳۹ ساله
۱۰/۸	۸۳۲۷۸	۶۹۰۲۰۶	۷۷۳۲۸۳	۳۲/۳	۲۸۷۵۲۹	۶۰۷۶۷۲	۲۲/۳	۳۷۰۸۰۷	۱۲۹۷۲۷۸	۴۰-۴۴ ساله
۱۹/۴	۶۸۵۲۷	۲۸۵۵۳۷	۳۵۳۶۶۷	۲۵/۵	۱۴۲۳۱۹	۱۱۵۰۰۰۰	۳۲/۵	۳۳۰۸۲۱۶	۸۶۰۵۷۰	جمع ۲۵-۴۴ ساله
۷/۱	۱۷۰۵۰۳	۲۲۱۷۳۱۹	۲۴۸۱۹۳۳	۲۳/۳	۶۸۲۶۶۸	۲۱۳۳۳۵	۱۶/۳	۸۵۲۵۷۱	۳۳۰۵۳۴	۴۵ سال و بیشتر
۲۵/۵	۳۶۷۹۴۸۸	۸۵۰۸۱۶۵	۱۳۳۱۸۷۵۳	۵۸/۹	۸۱۹۷۸۸۷	۵۷۲۶۶۰۴	۶۷/۵	۱۲۸۷۷۰۷۵	۱۳۲۲۵۶۹	جمع کل

تألیف: سرطوری، صوری، نظیری، و سنگ، ۵۵

مناطق شهری جدول شماره ۱۵ : وضعیت جمعیت و جمعیت باسواد و بیسواد جنس در سال ۶۵

جنس				مرد				زن				جمع کل
گروه سنی	جمعیت	تعداد باسوادان	تعداد دروسد باسوادان	جمعیت	تعداد باسوادان	تعداد دروسد باسوادان	جمعیت	تعداد باسوادان	تعداد دروسد باسوادان	جمعیت	تعداد باسوادان	
۱۰-۱۴ ساله	۲۹۲۵۰۱	۱۸۵۱۱۲	۲۶۹۱۸۹۵	۹۱/۸	۱۴۱۵۵۵	۷۱۵۰۵	۱۳۹۸۲۳	۹۲/۵	۱۳۳۲۴۶	۱۱۳۶۰۷	۱۳۲۲۴۶	۹۲/۲
	۲۹۳۲۹۱	۱۶۶۶۴۴	۲۷۵۲۴۴	۹۲/۵	۱۵۱۸۶۰۰	۶۰۵۱۷	۱۲۵۵۲۲	۹۵/۷	۱۴۱۳۲۷۱	۱۰۵۲۲۷	۱۴۱۳۲۷۱	۹۲/۳
۱۵-۱۹ ساله	۵۸۲۲۷۲	۳۵۱۵۷۶	۵۲۵۱۱۵۹	۹۲/۹	۲۰۱۳۴۵۵	۱۲۲۰۲۲	۲۸۵۲۸۵۵	۹۲/۶	۲۸۸۸۱۷	۲۱۹۵۲	۲۸۸۸۱۷	۹۱/۱
۲۰-۲۴ ساله	۲۷۹۲۲۰۷	۲۹۳۱۳۸	۳۲۹۲۴۲	۸۹/۳	۱۲۲۸۳۷۱	۱۰۲۰۱۲	۱۳۳۳۶۲۲	۹۲/۷	۱۳۵۲۴۶	۱۹۱۱۲۶	۱۳۵۲۴۶	۸۵/۶
۲۵-۲۹ ساله	۲۲۷۲۳۰	۲۲۷۶۴۲	۲۰۲۱۴۰۱	۸۲/۵	۱۲۳۰۵۱۶	۱۴۵۲۳۴	۱۱۰۲۲۰۶	۸۱/۵	۱۳۲۱۸۱۲	۲۹۹۳۲۹	۱۳۲۱۸۱۲	۷۵/۶
۳۰-۳۴ ساله	۵۲۶۲۵۲۷	۷۱۷۹۰۱	۲۵۲۵۰۷۵	۸۶/۱	۲۶۶۸۸۸۷	۲۲۷۲۶۶	۲۲۳۵۸۱۷	۹۱/۲	۲۵۹۵۶۰	۲۹۰۲۵۵	۲۵۹۵۶۰	۸۰/۸
۳۵-۳۹ ساله	۲۰۳۸۸۷۱	۱۰۹۹۲۶۸	۲۲۲۰۲۱۶	۷۲/۳	۲۰۸۰۳۵۰	۲۶۱۱۱۲	۱۷۱۲۸۱۱	۸۷/۶	۱۵۵۸۶۲۱	۷۲۷۷۵	۱۵۵۸۶۲۱	۶۱/۶
۴۰-۴۴ ساله	۲۲۳۲۱۵۶	۹۱۳۰۴۲	۱۳۱۳۲۶۸	۵۸/۸	۱۱۵۶۲۷۰	۲۱۶۱۶۲	۸۲۷۱۷۰	۷۲/۴	۱۰۷۶۸۲۶	۵۱۶۹۳۲	۱۰۷۶۸۲۶	۶۲/۲
۴۵-۴۹ ساله	۶۲۲۰۷۷۷	۲۰۲۳۲۴۲	۲۲۳۵۰۸۲	۶۷/۵	۳۳۲۶۶۱۰	۶۷۸۱۵۵	۲۵۵۱۰۰۱	۷۸/۸	۲۰۲۵۴۵۷	۱۳۳۲۲۰۷	۲۰۲۵۴۵۷	۵۵/۲
۵۰-۵۴ ساله	۳۸۱۱۲۱۷	۲۵۰۹۲۸۰	۱۲۸۵۲۳۸	۳۲/۷	۱۹۸۷۵۱۲	۱۰۵۲۸۲۲	۹۱۵۰۲۲	۲۶/۵	۱۸۲۲۷۰۳	۱۲۵۶۲۳۸	۱۸۲۲۷۰۳	۱۹/۴
۵۵-۵۹ ساله	۲۱۲۱۵۲۰۲	۵۵۹۱۱۱۹	۱۵۵۰۶۶۶۶	۷۳/۱	۱۰۹۰۶۶۶۶	۲۰۹۰۲۶۵	۸۷۶۲۷۵	۸۰/۳	۱۰۳۰۲۶۲۷	۲۵۰۰۶۵۲	۱۰۳۰۲۶۲۷	۶۵/۳

ماعد : سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵
 توضیح : درازا نفوس تعداد افراد اظهار شده براساس سرشماری ، منظور شده است و جمعیت داهیل جمع افراد باسواد و بیسواد برابر با کل جمعیت نخواهد بود .

مناطق شهری

جدول شماره ۱۶ : وضعیت جمعیت و وضعیت باران و میزان برف زمین در سال ۱۳۵۵

کد رهبری	جمعیت		باران		میزان برف		مجموع	وضعیت باران	وضعیت برف
	جمعیت	تعداد	باران	تعداد	باران	تعداد			
۸۴/۵	۱۷۵۵۵۱	۱۷۸۵۶۱	۹۵/۸	۸۱۸۵۷۶	۸۳-۱۸	۱۰۱۶۶۳	۸۸	۱۵۳۳۵۳۳	۲۷۱۱۵۹
۸۷/۸	۲۰۷۵۵۳۹	۸۵۹۹۱۷	۱۵/۷	۱۰۵۵۵۶۷	۶۷۵۳	۱۵۹۸۵۰۵	۹۲/۵	۱۹۵۳۵۳	۱۵۶۹۳۶
۸۲/۵	۲۸۱۵۱۳۰	۲۲۷۴۹۰	۹۳/۵	۱۸۶۹۱۳۳	۱۳۵۶۰۱	۱۹۹۹۷۶۶	۹۵/۲	۳۳۷۰۵۳۵	۳۷۸۰۹۵
۷۵/۵	۱۹۱۵۶۰۲	۲۱۸۶۹۹	۸۸/۶	۹۰۸۳۱۲	۱۱۷۳۵۸	۱۵۲۵۶۳۵	۸۲/۵	۱۵۷۹۶۱۵	۳۳۵۹۰۷
۸۹/۵	۱۵۳۰۲۰۹	۳۰۵۵۶۶	۸۵/۵	۶۲۱۲۲۱	۱۵۷۸۸۸	۷۸۶۵۵۹	۷۵/۱	۱۵۷۱۸۰۵	۳۵۸۳۰۴
۶۸/۳	۲۳۴۵۸۱۱	۵۱۹۱۶۵	۸۳/۹	۱۵۳۹۶۳۳	۳۷۵۵۶۶	۱۸۱۴۶۷۹	۷۷/۵	۲۶۵۱۵۰۰	۷۹۴۲۱۱
۶۵/۳	۱۹۹۸۴۰۹	۹۷۱۵۷۲	۷۳/۳	۷۸۳۳۲۹	۲۷۳۳۰۰	۱-۳۵۳۷۳	۵۹/۱	۱۱۹۳۳۳	۸۵۳۶۷
۶۶/۳	۱۵۶۶۷۲	۵۳۵۵۳۰	۵۶/۳	۳۶۹۸۰۰	۳۳۵۹۵۱	۸۳۷۵۵۱	۴۲/۳	۶۶۱۱۸۱	۹۵۱۳۹۱
۳۷/۳	۳۵۶۱۵۸۱	۱۵۶۵۵۵	۶۵/۷	۱۲۳۳۵۵	۶۳۰۴۲۱	۱۸۶۳۸۶	۵۲/۱	۱۸۵۳۶۳۳	۱۷۰۶۳۵۸
۱۴/۵	۲۳۵۰۵۴۶	۹۳۷۲۷۸	۶۱/۵	۵۱۴۵۷۲	۲۷۷۹۸۷	۱۲۳۳۵۵۳	۸۸/۸	۶۷۵۸۸۱	۱۶۷۵۶۶۵
۵۵/۶	۱۳۱۸۲۵۸	۲۷۸۵۲۵۳	۷۲/۳	۵۱۲۵۳۳۳	۱۷۷۲۰۷۵	۶۹۱۹۳۶۸	۶۵/۵	۸۶۲۸۱۳۹	۲۵۵۳۳۹۹

مجموع کل

مناطق : سرکاری عمومی و سکن ۱۳۵۵

کل				مرد				زن			
درصد باسوادان	تعداد باسوادان	جمعیت	درصد باسوادان	تعداد باسوادان	جمعیت	درصد باسوادان	تعداد باسوادان	جمعیت	درصد باسوادان	تعداد باسوادان	جمعیت
۶۳/۹	۹۰۷۳۵	۱۴۱۹۵۲	۸۱/۳	۱۲۲۲۲۲	۲۴۶۶۸	۸۲/۳	۱۲۲۲۲۲	۲۴۶۶۸	۷۲/۳	۲۱۲۵۴۹	۲۹۵۵۸۵
۶۵/۵	۳۱۳۹۷	۴۷۵۱۶	۸۶/۳	۱۲۳۵۰۲	۲۰۷۱۲۳	۸۶/۳	۱۲۳۵۰۲	۲۰۷۱۲۳	۷۶	۲۲۶۳۳۹	۲۹۸۲۳۹
۶۳/۶	۱۸۲۳۰۲	۲۸۵۲۹۹	۸۴/۳	۲۵۲۸۰۲۶	۲۵۲۸۰۲۰	۸۴/۳	۲۵۲۸۰۲۶	۲۵۲۸۰۲۰	۷۳/۸	۲۲۲۶۳۳۲	۵۸۷۵۳۱۲
۵۲/۴	۶۱۸۳۱۶	۱۱۷۸۰۰۲	۷۸/۶	۹۶۰۸۱۸	۲۵۱۶۶۶	۷۸/۶	۹۶۰۸۱۸	۲۵۱۶۶۶	۶۵/۸	۱۵۷۱۹۹۲	۲۳۹۹۹۹۵
۳۶/۲	۳۰۷۱۰۲	۵۲۹۱۰۰	۷۱/۵	۶۲۲۸۸۳	۲۲۸۸۲۰	۷۱/۵	۶۲۲۸۸۳	۲۲۸۸۲۰	۵۲/۰	۹۹۹۹۸۷	۱۷۲۱۳۲۲
۳۵/۶	۹۳۵۸۰	۱۰۹۶۱۲۸	۷۵/۶	۱۵۸۳۷۰۱	۵۰۸۲۹۶	۷۵/۶	۱۵۸۳۷۰۱	۵۰۸۲۹۶	۶۰/۸	۲۵۰۹۱۸۱	۴۱۲۱۲۸۹
۲۱/۸	۱۵۵۹۱۶	۵۵۷۰۵۷	۵۷/۳	۳۰۵۲۶۸	۲۴۶۶۲۲	۵۷/۳	۳۰۵۲۶۸	۲۴۶۶۲۲	۳۹/۳	۵۵۶۲۰۲	۱۴۱۱۶۱۵
۱۳/۱	۷۷۳۰	۵۸۶۵۰	۶۶/۷	۲۵۶۲۰۱۸	۳۸۸۱۶۵	۶۶/۷	۲۵۶۲۰۱۸	۳۸۸۱۶۵	۲۰/۳	۳۳۱۵۳۸	۱۱۲۲۹۹۲
۷/۳	۳۲۵۳	۲۱۱۷۳۵	۲۶/۸	۱۴۴۰۴۸	۲۴۵۹۲۹	۲۶/۸	۱۴۴۰۴۸	۲۴۵۹۲۹	۲۱/۰	۱۷۷۶۲۱	۸۲۶۵۰
۲/۶	۱۷۳۰۵	۳۴۲۲۰	۱۳/۱	۹۲۹۵۷	۲۴۵۳۱۶	۱۳/۱	۹۲۹۵۷	۲۴۵۳۱۶	۱۶/۱	۱۱۳۲۵۲	۶۱۲۸۱۶
۱۳/۲	۲۸۰۵۲۲	۲۱۱۸۷۵۵	۳۷/۹	۸۳۳۸۹۱	۱۰۶۵۸۸۲	۳۷/۹	۸۳۳۸۹۱	۱۰۶۵۸۸۲	۲۸/۸	۱۱۷۷۹۳۵	۲۸۹۲۳۳۲
۲/۲	۲۶۲۶۲	۱۵۸۲۳۲۶	۱۵/۶	۲۸۷۵۵۲	۱۵۲۳۳۳۹	۱۵/۶	۲۸۷۵۵۲	۱۵۲۳۳۳۹	۶/۴	۲۲۳۰۱۵	۳۰۶۹۱۷۸
۲۶/۰	۳۰۱۳۳۸۸	۵۲۴۴۱۱۲	۵۰/۹	۵۲۱۳۱۷۱	۲۵۲۴۳۷	۵۰/۹	۵۲۱۳۱۷۱	۲۵۲۴۳۷	۲۸/۰	۸۲۰۶۵۲۹	۱۷۲۹۸۵۶۶

۱- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵
 ۲- در از بارهای سرشماری تعداد افراد و اقشار بنده بر اساس سرشماری منظور شده است و همین دلیل جمع افراد باسواد و بیسواد برابر با کل جمعیت نخواهد بود.

جدول شماره ۱۸ : وضعیت جمعیت و وضعیت باسواد و نیمه سواد بزرگسالان در سال ۱۳۵۸

سالهای مربوطه

ردیف	ن			م			ج			جمع کل		
	جمعیت	باسواد	نیمه سواد	جمعیت	باسواد	نیمه سواد	جمعیت	باسواد	نیمه سواد			
۱/۱	۱۱۴۳۱۳۲	۵۷۲۷۹۱۱	۴۳۳۱۵۳	۳۳/۶	۳۰۵۵۵۹۳	۳۱۵۳۵۹۱	۷۰۰۶۱۳۳	۳۰/۵	۲۳۳۸۸۳۶	۱۶۸۱۳۳۰	۱۳۳۰۳۷۶	جمع کل
۲/۱	۲۹۱۱۱۲	۱۳۷۱۳۷	۱۱۴۸۵۱	۷۳/۰	۱۰۸۳۳۷	۳۱۰۰۵۳	۱۲۳۷۰۰۳	۵۹/۵	۳۴۹۵۶۱	۱۵۶۱۹۳	۳۵۵۷۵۳	جمع ۱۰-۱۲ ساله بزرگسالان
۲/۲	۳۳۳۱۸	۳۷۸۱۶	۱۵۲۳۰۳	۷۳/۵	۸۸۶۸۷۸	۳۳۳۶۸۷	۱۱۶۰۵۵۵	۵۷/۳	۱۷۸۰۷۸۶	۱۵۱۸۰۳	۲۳۳۵۷۹۱	جمع ۱۰-۱۲ ساله
۳/۱	۸۸۰۰۱۳	۱۳۱۵۵۳	۷۲۰۰۳۵	۷۵/۲	۱۷۹۵۳۳۵	۵۹۲۷۳۳	۲۳۸۸۰۶۸	۵۸/۵	۲۶۸۰۳۳۷	۱۸۰۷۹۹۶	۳۵۸۸۳۳۳	جمع ۱۰-۱۲ ساله
۳/۲	۱۷۳۷۱۱	۷۱۵۰۰۳	۸۹۱۷۳۲	۵۵/۳	۳۳۱۵۷۳	۳۵۳۳۳۶	۷۳۳۹۱۹	۳۶/۶	۶۱۶۶۷۸	۱۰۶۸۳۷۹	۱۶۸۳۶۶۳	جمع ۱۵-۱۹ ساله
۳/۳	۷۱۸۶۶	۳۳۸۳۳۱	۷۱۵۰۲۷	۳۵/۲	۳۳۷۰۵۶	۳۰۲۷۳۳	۵۵۱۷۹۹	۳۵/۵	۳۳۰۹۱۲	۹۳۱۰۸۲	۱۳۶۲۰۰۶	جمع ۲۰-۲۴ ساله
۳/۴	۳۳۵۷۷	۱۳۵۳۳۲	۱۶۰۱۵۵۱	۵۱/۳	۶۸۸۵۳۹	۶۵۷۰۸۹	۱۳۳۵۷۱۸	۳۱/۸	۹۳۷۲۰۶	۳۰۰۹۳۶۳	۳۳۳۶۶۶۹	جمع ۱۵-۲۴ ساله
۴/۱	۳۳۸۰۳	۱۵۳۶۵۷	۹۳۳۶۰	۳۴/۷	۳۳۵۳۰۸	۵۸۰۸۰۵	۸۱۵۰۹۱۳	۱۵/۳	۱۸۳۹۱۲	۱۵۳۵۳۶۳	۱۸۳۰۱۷۳	جمع ۲۵-۳۴ ساله
۴/۲	۱۳۸۶۶	۸۳۴۹۹۶	۸۳۷۸۳۳	۱۷/۷	۱۵۶۰۶۶	۷۳۸۷۵۳	۸۸۳۷۰۵	۹/۸	۱۶۸۸۸۳	۱۵۳۳۷۰۰	۱۷۳۳۶۳۲	جمع ۳۵-۴۴ ساله
۴/۳	۵۱۶۶۹	۱۷۸۹۶۵۳	۱۸۳۳۱۰۳	۳۳/۵	۳۰۱۱۳۲	۱۳۰۹۵۵۱	۹۷۱۰۷۰۴	۱۱/۸	۶۵۳۷۹۳	۳۰۰۹۹۰۱۲	۳۵۵۳۸۰۵	جمع ۴۵-۴۹ ساله
۴/۴	۹۹۹۳	۱۳۶۹۸۳۱	۱۳۷۹۸۳۵	۱۰/۸	۱۶۳۹۹۶	۱۳۳۳۳۱۸	۱۵۶۱۶۶۳	۶/۳	۱۷۷۳۱۰	۳۶۶۳۶۶۹	۲۸۳۳۶۶۹	جمع ۵۰-۵۴ ساله